جایگاه امر به معروف و نهی از منکر

در نهضت

امام حسین علیه السلام

ولی الله اردشیری

بسم الله الرحمن الرحیم

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در نهضت امام حسین علیه السلام

نویسنده:

ولی الله اردشیری

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در نهضت امام حسین (ع)

مشخصات کتاب

نام نویسنده : ولی الله اردشیری

ناشر : ولی الله اردشیری

شابک : ۰-۹۶۴-۹۷۸

نوع جلد : شومیز

قطع : رقعی

مقدمه

در بررسی و تحلیل عوامل و انگیزه های قیام کربلا به منظور دست یابی به علت نخستین و بنیادین به عامل و انگیزه شاخص و مهمی به نام «امر به معروف و نهی ازمنکر» برمی خوریم سید الشهدا حسین بن علی (ع) در وصیت نامه خویش بر این عامل تام و انگیزه والا تاکید می ورزد و هدف اصلی خود را از مخالفت با دستگاه خلافت مبتذل یزید، امر به معروف و نهی از منکر و مقابله با ظلم و جور و فساد و خیانت و بدعت ها و انحراف هایی که از همه سو، جامعه اسلامی را به محاصره درآورده و مردم را از راه روشن و صائب دین به بی راهه های فسق و گمراهی راه نمون می کردند، معرفی می نماید.امر به معروف و نهی از منکر در نهضت حسینی علت العلل قیام مقدس کربلاست و این به دلیل جایگاه رفیع این عنصر در حرکت تاریخی امام حسین (ع) و نقش بنیادین آن در به ثمر نشستن آن جهاد مقدس است لذا اهمیّت و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر را از منظر امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) ابو جحیفه که از نیکان اصحاب امام (ع)، دوست و مورد اطمینان او بود از حضرت امیر (ع) روایت نموده که آن حضرت درباره امر به معروف و نهی از منکر چنین فرمود:«اوّل چیزی که از آن مغلوب می گردید و شکست می خورید (بر اثر بدبختی و دور ماندن از رحمت الهی از شما گرفته می شود)، جهاد، (زد و خورد) با دستهایتان است (که با کفار و مشرکان

نمی جنگید و حدود خدا را بر فاسقان و ستمکاران و گناهکاران اجرا نمی نمائید و آنان را تعزیر و تأدیب نمی کنید). پس از آن جهاد با زبان هایتان است (که معاصی و زشتی ها را می بینید و می شنوید و ندیده و نشنیده می انگارید). پس از آن جهاد با دل هایتان است (که با ستم کاران و بدکاران سود رسان دوستی و احترام نموده و با پرهیزگاران و نیکان تهی دست بی اعتنایی کرده دوری می گزینید). پس کسی که به دل کار شایسته را نشناخت و ناشایسته را انکار ننمود (و نیکوکاران را دوست نداشته و بدکاران را دشمن ندانسته که این کار در باب امر به معروف و نهی از منکر اقل-واجب است ، وارونه گشته و سرش پایین و پایش بالا خواهد شد. (در دنیا آسایش نداشته سرگردان می شود و در آخرت نیک بختی را از دست داده به کیفر همیشگی گرفتار می گردد).»

حماسه حسینی

رخداد حماسه و نهضت عاشورای حسینی آینه عزت و افتخار و واقعه ای است بی نظیر که تاریخ اسلام و تاریخ بشریّت بدلی برای آن سراغ ندارد. جایگاه بلند امر به معروف و نهی از منکر، در قالب عاشورا، که نقطه آغاز هزاران حماسه و نهضت مشابه حسینی در تاریخ و فرهنگ بشری آن را به صورت رویدادهای جاودانه درآورده است که همچون نگین درخشانی بر تارک تاریخ های جهان می درخشد. با وجود دستان تحریف گری که در طول چهارده قرن در صدد تحریف حقیقت ارزش های نهضت حسینی (ع) برآمده اند آنچه از عاشورا و در پس آن هزاران عاشورای دیگر برای ما به یادگار مانده از چنان عمق و غنایی برخوردار است که فرجام تاریخ پیام آور ارزش های والای انسانی و الهام بخش انسان های آزاده و

خداجو خواهد بود.فلسفه و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر دیرباز مظهر عشق به خداوند و تسلیم محض در برابر او و سمبل قیام در راه دین و برچیدن شرک و تمامی خواهان ستمگر و جنایت پیشه گان فاسدی است که به جز ترویج هوا و هوس و ابتذال به چیزدیگری نمی اندیشند. در مقابل آنان شاهدان شهادت طلبی که از هیچ نیزه و کمانی نمی هراسند، زیبنده ورق به ورق تاریختند؛ بزرگ مردانی که به حماسه و نهضت حسینی اقتدا کرده اند و دل به عاشورا باخته اند. بدانیم که از واقعه معطر کربلاـ تا امروز و فرداها سینه های جوان مردانی در حراست دین خدا و اسلام و قرآن آماده جان فشانی بوده و خواهد بود، تا اسلام محمّدی (ص) و حسینی (ع) بر تارک آسمان جهان زنده و جاودانه بماند.همه ما مسلمانان از شیعه و سنی به رسالت ارزشمند امر به معروف و نهی از منکر کاملاً آگاهیم جدا سازی حق از باطل و عدل از ظلم به منظور پایداری حق و عدل و نابودی باطل و ظلم همواره رسالتی عظیم است و عاشورای عظیم تجّلی تام ّاین رسالت است : عاشورا دست بلندِ همّت آمران به معروف و ناهیان از منکر است که از افق شهادت کربلا برآمد و تا قله خورشید فرا رفت تا همواره برفراز تاریخ بماند و سیاهی های جاهلیت ِاز نو جان یافته را در همه ابعاد الحاد و فجور و ضلالت و بی خبری از چهره خورشید اسلام و قرآن فرو شوید.عاشورای حسینی فریادی از تمامی مظلومیت اباعبدالله الحسین (ع) است که برای اجرای فرمان های حضرت رسول (ص) در بنیان نهادن امر به

معروف و نهی از منکر،به آسـمان برخواست و برای همیشه خواب غفلت را از سـرهای شور گستران آبـادی هـا و افق ها بیرون کرد. فلسفه امر به معروف و نهی از منکر هجای بلندی بود که در روز عاشورا و در نهضت کربلای حسینی برای همیشه حق را از باطل جدا ساخت تا دیگر یزیدیان عصرها، نتوانند با اسلام جاهلیت را زنده کنند.اگر صدای رسای مظلومیت امر به معروف و نهی از منکر امام حسـین (ع) نبود،عاشورا نبود، و اگر عاشورا نبود، اسـلام نمی مانـد، و اگر اسـلام نمانده بود تمدن اسـلامی پدید نمی آمد.نهضت حسـینی و حماسه عاشورا، نشان افتخار است که تاریخ آن را به سینه اسلام آویخته است و مشعل جاوید هـدایت گشـته که تاریـخ آن را بر سـر راه فرزندان اسـلام قرار داده است و این فرزندان اسـلامند که باید آن را زنده بدارند و مراسم عـاشورا را بـا یـاد کرد اهـداف والاـی آن برگزار کننـد و از مکتب انسـان سـاز و مجاهـدپرور عـاشورا پیوسـته بهره مند گردند.حرکت نهضت حسینی و حماسه عاشورا پایه های مستحکم آمران به معروف و ناهیان از منکر است که با آیه آیه قرآن عزیز، عجین گشـته است حرکتی که فرزنـد متقی و رشـید و آگـاه پیـامبر (ص) در راه احیای امر به معروف ها و زدودن چهره اسـلام از منکرات حتی از جان عزیز و والایش دریغ نورزیـد، همان زنـده کردن قرآن و فعال ساختن ارزش های فراموش شده اسـلام بود که بـا شـهادتش و بـا قطرات خون عزیزانش گویـا دوباره اسـلام روح و جان تازه ای به خود گرفت و از نو پدیـدار گشت یزید مظهر همه منکرات و ضد ارزش ها بود و حماسه امام

حسین (ع) و یارانش مظهر همه معروف ها و ارزش ها و در کارزاری عجیب پرچم دار بزرگ ارزش ها با خون خود و اهل بیت معظمش همه ضد ارزش ها را محکوم کرد. هر قطره ای از اقیانوس نهضت حسینی در عاشورا یک شعور ناب قوی و یک محتوای ژرف غنی و یک مکتب آموزنده انسانی و یک ترتیل خون بار آیات قرآنی و یک سجده مترنم نورانی و یک سیال حیات آفرین اخلاقی و یک حماسه پویا در مسیر صیرورت های بلند آهنگ بشری است حماسه و نهضت حسینی و عاشورای اباعبدالله (ع) ضربان قلب خورشید است در سینه خاک حماسه روز عاشورا، بعثت را زنده کرد، نهضت حسینی برای همیشه محتوای غدیر را در معبر اعصار بشر، به فریاد خواند. واژه های عاشورا، فقط تشنگی شهادت و اسارت نیست نماز و عدالت و عزت و افتخارِ تمام تاریخ نیز هست بلکه واژه های اصلی همین چهارتاست نماز، واژه شب عاشورا و عدالت واژه روز عاشورا است و عزت پیام نهضت های مکرر جهان اسلام بعد از عاشورا و افتخار یعنی داشتن رهبران دینی درانقلاب ها و به خصوص در نظام مقدس اسلامی که ناب ترین رهبران هم چون خمینی و خامنه ای عزیز که از طرف خدا بر ما منّت نهاده شد، تا تشنگی شهادت و اسارت را سکوی پرتاب جایگاه امر به معروف و نهی از منکر بدانیم و در اجرای آن از هیچ کوششی دریغ نورزیم تاریخ گواهی می دهد که ای حسین (ع)! تو، به اجرای قسط و عدل فرمان دادی و جامعه اسلامی را به ناب ترین معروف ها به فرمان عدالت علوی فراخواندی و تو راست گویی و صدیقی و به هر چه فرا خواندی صادقانه با خون خود

و یاران عزیزت به مهر تأیید رساندی عاشورا، شهادت پسر پیامبر، اسارت دختران پیامبر و آواره گرداندن آنان در شهرها و بیابان ها و حاضر نمودن آنان با غل و زنجیر در دربار ابن زیاد و کاخ سبز دمشق در حضور حاضران مجلس یزید، به همراه اظهار شادمانی از فتح و پیروزی و غلبه بر فرزندان پیامبر، چرا و برای چه این سؤالی بود که افکار را به خود مشغول می داشت و سینه ها را می جوشاند. تا خطبه های علی وار بانوی قهرمان کربلا و سخن رانی ولی خدا که «ماییم فرزندان مکه و منا، زمزم و صفا و مروه ماییم فریاد گران راستین اذان و حاملان جاوید قرآن و اهل بیت رسول خداییم »بدین گونه بود که افعال و فلسفه بنیادین امر به معروف و نهی از منکر در عاشورا از مرز شهادت و اسارت گذشته بود و بر فراز قله جاودان رسالت جای گرفت رسالت ِ احیای قرآن و نجات انسان سنت نبوی و پیام رسول خدا (ص). حماسه نهضت حسینی و قیام عاشورا دوباره حق ّنزول و قرآن را باز سازی کرد و سیاهی های متراکم منکر جاهلیت را زدود. و نجات معروف ها را از همه تمهیدهای الحادی و حذف های تعبیه شده اموی تضمین نمود. قرآن یک بار دیگر با حنجره آمران به معروف ها در عاشورا تلاوت شد تاهیچ گاه فراموش نگردد، و فراموش نمی گردد، تا وارث کبیر عاشورا، بار دیگر آن را تلاوت کند و احکام فراموش شده آن را عملی گرداند، زندگی ها را تطهیر کند و زندگی قرآنی را نمودار سازد و معنای حکومت اسلامی را نشان دهد.حماسه و نهضت حسینی نه حادثه ای مانده در مقطعی از زمان و

محدوده ای ازمکان است و نه حرکتی در اندازه و معیارهای حرکت های مادی که هم ماندگاری آنان محدود است و هم تأثیر گذاری آن ها، بلکه پایداری معروف است که در فرهنگ اسلامی و در دل تاریخ به یادگار مانده است و خود دارای فصل ها و عناصر متعددی است که ماندگاری آن و تأثیر نامحدود و انکارناپذیرش در طول زمان ها و مکان ها را موجب شده است لذا ائمه هدی (ع) و مصلحان و علما و بزرگواران و منادیان دینی نام و یاد واقعه و رخ داد جوشان و خروشان نهضت حسینی را در بیزاری از دشمن به معروف های جاودانه ای مبدل نمودند که بر اثر آن بیداری ملت های مسلمان معرفت دینی عشق به ولایت شجاعت و فداکاری و هزاران شعله فروزان و گرمابخش و نورانی دیگر را در دل ها ساطع کردند و سعادت انسانی را در زنده نگه داشتن یاد این نهضت به چه تلاش های طاقت فرسایی تا سرحدّ شهادت خود به جای گذاشتند و اگر امروز درخشندگی ها و کمالات و کرامات در میان انسان ها مانده است و تاریخ را، ارزش نگریستن و نگاه داشتن می دهد، از برکت واقعه عاشورا و حماسه نهضت حسینی و سرزمین کربلاست و زنده نگه داشتن یاد و خاطره عاشورا و فداکاری مردان اندک کربلا، زنده نگه داشتن اسلام ناب محمّدی (ص) است در این عصر بر هر مسلمان فرهیخته است که اگر خواهان بیمه نمودن اسلام و قرآن است با تمام اخلاص جایگاه امر به معروف و نهی از منکر را در قیام عاشورا و نهضت حسینی فراموش نکند که رفتن ارزش ها همانا در غفلت از امر به معروف و نهی ازمنکر در تمامی وجوه زندگی

است نکند مکر بنی ساعده تکرار شود که علی در قفس خانه گرفتار شود.زینبی کو تا بگرید زار بر نعش حسین یا حسین آیا کسی جز تو مکرر کشته شد؟

نیاز جوامع بشری به امر به معروف و نهی از منکر

تأثیر نقش عنصر امر به معروف و نهی از منکر، در قیام امام حسین (ع) و نهضت عاشورا، ضرورت تعمق در میزان تأثیر گذاری اش در به ثمر رسیدن نهضت کربلا است امر به معروف به دعوت وا داشتن مردم به نماز و روزه و خمس و زکات و راستی و صلاح و عفاف و امثال این ها محدود نمی شود، بلکه همه کارها و اعمال نیک و پسندیده و مفید و ارزش های والای الهی را شامل می گردد. از جمله دعوت مردم به جهاد و مبارزه با ظلم و فساد و استثمار و از بین بردن زمینه های هر نوع تعدی و تجاوز و ستم و غارت و چپاول ونیز کوشش جهت برقراری قسط و عدل در جامعه با تشکیل حکومت و نظام سیاسی مقتدر و الهی همه در فضای گسترده ای که این قانون بزرگ الهی ایجاد می کند، مطرح و مورد توجه و عمل قرار می گیرد.نهی از منکر در بازداشتن مردم از قمار، شراب زنا، دروغ غیبت تهمت ربا،احتکار و امثال این ها منحصر نمی گردد. بلکه این نهی و بازداشتن ها جزئی از وظیفه و فریضه نهی از منکر محسوب می شود و مقابله با حکم رانان ظالم و ستم گر و بازداشتن آنان از استبداد و تجاوز و جور و فساد نیز نوعی نهی از منکر به شمار می رود. و نیز مبارزه با قدرت های سلطه گر که در پی گسترش سیطره سیاسی اقتصادی نظامی و فرهنگی بر جامعه های بشری هستند و برای نیل به مقاصد

پلید خویش از ارتکاب هیچ جنایتی فروگذاری نمی کنند، جزئی از نهی از منکر محسوب می شود و از مهم ترین جلوه و نمودهای این قانون الهی به شمار می رود.نگرش اساسی به دیدگاه های ژرف حضرت اباعبدالله الحسین (ع)، اهمیت خاص و نقش حیاتی و تعیین کننده این فریضه الهی را در اصلاح و اعتلای جامعه سلامت و سعادت مردم تضمین پاکی عفاف سالم سازی محیط اجتماعی زدودن آثار بزه و گناه و ظلم و جور می نمایاند. در بررسی این دیدگاه ها مشخص می شود که چرا و چگونه عنصرامر به معروف و نهی از منکر علت العلل قیام خونین کربلا محسوب می شود و سیدالشهدا (ع) به صراحت فلسفه اصلی حرکت پرشور خویش را در مخالفت و مبارزه خونین با خلافت یزید، این عامل و عنصر می داند و در مراحل مختلف نهضت مقدس خویش به امر به معروف و نهی از منکر اشاره می کند.امام حسین (ع) ابتدا در مذمت ترک فریضه الهی امر به معروف و نهی از منکر، به ویژه از سوی صاحبان علم و آگاهی چنین می فرماید:«عبرت بگیرید، پند پذیرید، نیکو بنگرید که پروردگار متعال درباره کسانی که از امر به معروف و نهی از منکر خودداری و کوتاهی می کنند چه فرموده است قرآن کریم احبار و ربّانی ها را مورد ملامت و سرزنش قرار داد. می فرماید:(لو لا ـ ینهاهم الربّانیون و الاحبار عن قولهم الاءثم و أکلهم السحت لبئس ما کانوا یصنعون .اگر علی و روحانی ها، آنان را از گفتار زشت و خوردن حرام باز ندارند بلکه با آنان به خوردن مال حرام و رشوه شرکت کنند، کاری بسیار زشت می کنند.و در همین سوره قرآن کریم بیان می فرماید که (لعن

الذین کفرو امن بنی اسرائیل علی لسان داود و عیسی بن مریم ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون کانوا لایتناهون عن المنکر فعلوه لبئس ما کانوا یفعلون ؛کافران بنی اسرائیل به زبان داود و عیسی بن مریم از آن جهت لعنت شدند که نافرمانی خدا نمودند و از حکم حق سرکشی کردند. آنان هیچ گاه از کار زشت خود - با آن همه پند و اندرز رسولان حق دست بر نداشتند و چه قدر آنچه می کنند، قبیح و ناشایسته است این خودداری و امتناع و سکوت و سکون را عیب شمرده و آنان را که در برابر مظالم و منکرات اجتماع لب از امر به معروف و نهی از منکر فرو می بندند، مسئول و محکوم دانسته است ربانیّون و احبار که پیشوایان و ائمه قوم بوده اند، پادشاهان را از ستم و تعدی نهی نمی کردند، از نزدیک به ظلم و تیره بختی مظلوم می نگریستند، اما برضد ظلم و ظلمه قیام نمی کردند.همواره سکوت می نمودند، این سکوت بیشتر برای هدایا و مزایایی بود که از مصادر ظلم به ربانیّون و احبار تقدیم می شد، و گاه به اسم تقّیه و پرهیز نامی بر آن می گذارند، ولی در هر صورت سکوت ربانیّون و احبار گناهی عظیم شمرده می شد.پروردگار متعال در قرآن مجید چنین تقیّه و پرهیز را گناه می شمارد:(«فلاتخشوا الناس و اخشونی ؛ از هیچ کس نترسید و از انتقام من بترسید.قرآن کریم از کسانی که به معروف امر و از منکر نهی می کنند، چنین یاد فرموده (المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر)؛ مردان و زنان مؤمن یاور و دوست دار یک دیگرند و خلق را به

کارهـای نیـک دعوت و از کارهای زشت منع می کننـد.با توجه به آیات فوق خداونـد متعال آشـکارا امر به معروف و نهی از منکر را فریضه و واجب خوانـده و دسـتور داده که بنـدگان آگـاه وی از این دو تکلیف حسـاس شـانه تهی ننماینـد و به وظیفه خویش قیام کنند.

مهم ترین وظیفه و مسئولیت عالمان وارسته دین

اباعبـدالله الحسـین (ع) در جمله ای از خطبه خویش از احبار و ربانیّون یعنی عالمان دین که در گذشـته در انجام وظیفه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر قصور و کوتاهی می ورزیدند و ظلم پیشـگان را از عمل شـنیع و ننگینشان باز نمی داشتند، سخن روان و شـیوایی به میان می آورد، که در این بخش روشن تر بیان شده است عالمان دین در هر عصـری به دو دسـته تقسیم می شوند: دسـته اوّل آنانند که در آیات اشاره شده در خطبه سـید الشهدا (ع) از وظیفه امر به معروف و نهی از منکر که مهم ترین وظیفه و مسئولیت آنان بود، کوتاهی می کردند و به رسیدگی به امور مردم و تلاش و مبارزه برای رهایی و نجات و رستگاری آنان با ظالمان و قدرت های سـتم پیشه به مراوده و مجالست می پرداختند و توجیه گر ظلم و فساد و جنایتشان می شدند.دسـته دوم عالمان وارسـته و مسـئول که خود را در برابر دین خدا و توده های مردم جامعه وظیفه مند و دارای مسـئولیت های سـنگین هـدایت و راه یـابی و مقـابله و مبـارزه بـا ظلم و فسـاد و گمراهی می دانسـتند و لحظه ای در انجـام تکالیف الهی خود قصور و تسامـح روا نمی داشـتند.قرآن کریم از این عالمان آگاه و مسـئولیت پـذیر این گونه یاد می کنـد:«کسانی که رسالتهای خدا را ابلاغ می کنند و از او می ترسند، و از هیچ

کس جز اوبیم به دل راه نمی دهند، و خدا خود، برای حساب رسی بسنده است »و در آیه ای دیگر می فرماید:هر آینه از میان بندگان خدا، عالمان و دانشوران از او می ترسند و در برابرش خاشع هستند.صفت و شاخص بارز عالمان صالح و پاک «خشوع و «ترس در برابر خداوند قادر متعال است خوف این بندگان در برابر عظمت حضرت پروردگار با مشاهده آثار شگرف او،در آفرینش و شناخت و معرفت اصیل نسبت به ذات و صفات و اسماء او صورت می پذیرد و آنان هر چه در ایجاد ارتباط معنوی با مبداء وجود، بیشتر توفیق به دست می آورند و در اُنس و تقرب به او مراحل بالا-تری را پشت سر می گذارند و روح و روانشان را از مناجات با او سیراب می سازند، خاضع تر می گردند و خویشتن را در برابر فرمان ها و دستورالعمل های زندگی ساز و سعادت آفرین دین او تسلیم تر و مراقب تر می یابند.خوف و خشوع در برابر خداوند منّان حالتی در روح پدید می آورد که خوف و ترس در برابر قدرت های سلطه گر را نفی می کند؛ به تعبیری دیگر، خاضع برای خدا چنان باعشق و محبت او پرورده می شود و طاعات و عبادات به درگاه پروردگار آنسان در روح و روان او اثر مثبت و سازنده بر جای می نهد، و قدرت و توان در نهادشان ذخیره می سازد که در برابر هیچ قدرتی سر تسلیم فرود نمی آورد.طبیعی است که توکل به خدا که موجب فرو ریختن همه خوف و هراس های نامطلوب از قدرت های بشری می گردد، علمای صالح و خداترس را برای انجام وظایفی که خدا برای آنان معین و مشخص کرده آماده و مهیا می سازد و راه را برای مقابله

با هرگونه ظلم و ستمی که از دستگاه های جور بر توده های محروم جامعه می آید، هموار می نماید.اوراق تاریخ مبارزه های وقفه ناپذیر و خونین این دسته از علمای دین را با ظالمان و تجاوز پیشگان در راه اجرای دستورهای الهی و نجات و رهایی مردم مظلوم به ثبت رسانده است و جامعه های بشری همواره سلامت و سعادت خود را در پرتو مجاهدات و تلاش های خالصانه این بندگان وارسته و صالح خدا به دست آورده اند.تداوم و استمرار ارزش های الهی و انسانی که تضمین کننده زیست سالم جمعی است با مسئولیت شناسی و مبارزه پیگیر اینان در بستر زمان تحقق یافته است و ان شاء الله تا ظهور منجی یگانه بشریت و خورشید تابنده اسلام این تحقق به عینیّت رسد و دل های میلیونها مظلوم گیتی را به جمال عدالت گسترش روشن کند و حافظ ارزش ها و معرفت گرداند.

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در فرهنگ اسلامی و سخنان امام حسین

امام حسین (ع) پس از مذمّت ترک امر به معروف و نهی از منکر و بیان شدت قبح و زشتی زیر پا نهادن دستور صریح قرآن درباره عمل به این اصل اجتماعی و نیز اشاره به وجوب این دستور الهی و رعایت آن از سوی مردان و زنان با ایمان به فلسفه و آثار این فریضه بزرگ اشاره نموده و می فرماید:«پروردگار دانا نیکو می داند که وقتی تکلیف امر به معروف و نهی از منکر به نیکویی ادا شود، تکالیف دیگر به آسانی ادا خواهد شد. آنچه معروف و محمود است انجام خواهد گرفت و آن کردارها که نکوهیده و ناشایسته اند، متروک خواهند ماند. از برکت امر به معروف فرایض دشوار و احکام سنگین به بهانه دشواری و سنگینی از شانه نخواهد افتاد، و در

سایه نهی از منکر لذتهای حرام و معاصـی شیرین دیگر شیرینی و لذت نخواهد داشت و قباحت خود را پنهان نتواند ساخت امر به معروف و نهی از منکر دو منـادی مجاهـد اسـلامند که مسـلمانان را به سوی معروف و نیکی ها می خواننـد و از منکرات باز می دارنـد. امر به معروف مـا را به رد مظـالم واحقـاق حقوق و مخـالفت بـا ظالم و عـدالت اجتماعی و ادای فرایض دعوت می کند، و نهی ازمنکر ما را از سـتم و تعدی و تجاوز و آلودگی ها و پستی ها باز می دارد.»در این جمله ها اباعبدالله الحسـین (ع) به فلسـفه امر به معروف و نهی از منکر اشاره می کنـد و از همین رو، تأمل در این دسـتورهای بزرگ الهی را بر می انگیزانـد و شرح و تبیین آن را ضـروری می سازد.در فرهنگ و معارف اسـلامی فریضه امر به معروف و نهی از منکر، از جایگاه و اهمیّتی خاص برخوردار است به گونه ای که تمام عبادات هم چون نماز، روزه حج جهاد و دیگر احکام و قانون های اسلامی در ابعاد و زمینه های مختلف به وجود این اصل ودسـتور بزرگ دینی ارتباط و وابسـتگی کامل و تام دارند.اگر امر به معروف و نهی از منکر به تعطیلی گرایـد و اهـل ایمـان از عمـل به این قـانون الهی قصور و تسامـح ورزنـد، نمـاز و روزه و حـج و جهـاد و دیگر مقررات و قانون های اسلام نیز تعطیل می شوند و از اعتبار و بقا و تداوم ساقط می گردند. زیرا با عمل به فریضه امر به معروف و نهی از منکر عبادات و دستورهای الهی پایدار و باقی می مانند و چنانچه مردم به خیر و نیکی ها دعوت و ترغیب

نگردند و از بدی ها و معاصـی و گناهان نهی نشوند،گرایشی نسبت به عبادات الهی هم چون نماز، روزه حج و جهاد به وجود نمی آیـد و مقررات و دسـتورالعمل هـای عبـادی سیاسـی اجتماعی و اقتصادی اسـلام ترویـج نمی گردد و جامعه انسانی طریق سعادت و رشـد و کمال را نمی پیمایـد و به اعتلا و اقتدار مادی معنوی و دفع موانع و مشـکلاتی که راه های سـلامت و تکامل جسـمی و روحی را مسـدود می سازنـد و انسـان را در لجن زارهـای عفن فسـاد و تبـاهی می افکنـد، توفیق حاصل نمی نمایـد. بنـابراین تمام عبادات اسـلامی و قانون های اجتماعی و اقتصادی اسـلام موجود بودن خویش را از بقا و تـداوم امر به معروف و نهی از منکر می گیرند و به برکت وجود این فریضه الهی پایدار هستند.

قرآن کریم و جایگاه رفیع امر به معروف و نهی از منکر

قرآن کریم به دلیل جایگاه رفیع این فریضه الهی در گستره دین و نقش زیر بنایی آن در بقای ارزش های الهی و تـداوم اعمال صالـح و مفیـد و سودمند در جامعه انسانی به حضور حتمی این عنصـر در حیات اجتماعی انسان فرمان می دهد:(و لتکن منکم امّه یـدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئك هم المفلحون ؛ بایـد همواره گروهی از شـما باشـند که دیگران را به امور پسـندیده دعوت کرده و به نیکی هـا امر نماینـد، و از انجـام بـدی و ناشـایست باز دارنـد، و آنان رسـتگاران عالمنـد.طبیعی است ادامه راه و گسترش اعمـال شایسـته و نـافع در جـامعه انسـانی و نیز جلوگیری از آفـات و زیـان هـای عمل کردهـای نـاصواب و زیـان منـدی که حیـات اجتمـاعی را باهـدم و نابودی مواجه می سازد، جز در پرتو حرکت های مفیـد در جهت حفظ و پاسداری ازارزش های والا و

عمـل کردهـای مفیـد، و مقـابله و مبـارزه بـا اعمـال زشت و ناسودمنـد برای جامعه انسانی ممکن نخواهـد گشت و این مهم نیز بیـداری و آگاهی و احساس مسـئولیت انسان های خدا باور و با ایمان را می طلبد که برای فرمان الهی در دعوت به نیکی ها و نهی از بـدی هـا، به پاخیزنـد و در عرصه های عمل اجتماعی به تلاش و فعالیت صادقانه وخالصانه بپردازنـد و راه های رشـد و تکامل مادی و معنوی انسان ها را هموار نمایند.دانشـمند بزرگ معاصر اسلامی در تفسیر ارزشمند خود این حقیقت را به گونه ای دیگر مورد اشاره قرار می دهـد:«تجربه قطعی به ما نشان می دهد که آدمی هر اندازه برای خود معلوماتی تهیه کند – و تهیه نمی کنـد مگر آنچه را که نافع خود می داند – و از هر راهی آن ها را گردآورد، تاوقتی در خاطرش می ماند که نسبت به آن ها یادآوری داشته باشد، و چنانچه از تمرین و بررسی آن دست برداشت کم کم معلوماتش به دیار نیستی ره سپار خواهد شد. از طرف دیگر باز جای شك و تردید نیست که عمل در تمام شـئون و مراتبش دائر مدار علم بوده باقوّت و ضـعف یا صلاح و فساد آن نسـبت مستقیم دارد. و هم جای تردیـد نیست که علم و عمل با یکـدیگر نسـبت متعاکس داشـته علم قوی ترین داعی عمل و عمل مشـهود و خارجی نیز قوی ترین وسـیله ازدیاد علم می باشد. با توجه به مطالب نام برده روشن می شود که اگر در اجتماعی دانش و علم نافع و عمل صالحی باشـد، برای دوام و پایـداریش بایـد افراد را از منحرف شـدن از راه خیر – که همان اعمال معروف و شناخته نزد آنان است – باز

دارنـد، و مردم دیگر را هم به طی کردن راه خیر تشویق نماینـد و آن را که از راه خیر و معروف برگشـته و در پرت گاه شـر و منکر واقع شده رهایش نکنند و از خطر سقوط نجاتش بخشند. این همان دعوتی است که با تعلیم و آموزش و امر به معروف و نهی از منکر شـروع می شود.»قرآن کریم در انتهـای آیه مورد بحث دربـاره وجوب امر به معروف و نهی از منکر،مردمی را که متّصف به این صـفت و ویژگی بزرگ الهی هسـتند، گرامی می دارد و بـا تعبیر زیبـای (اولئـک هم المفلحون از آنـان یـاد می نمایـد؛ یعنی اینـان به آن دلیـل که اوّلاً ـ خود انسـان های پاک و مهـذب و فـداکار و دین باور هسـتند و خویشـتن را موظف به رعایت دقیق موازین شـرعی و دسـتورالعمل های دینی می کنند و در تمام لحظات زندگی با مراقبت های مستمر در مسیر جلب رضـایت و خشـنودی خـدا گـام برمی دارنـد، و ثانیاً در برابر توده های مردم جامعه احساس مسـئولیت می کننـد و به تسامـح و غفلت از کنار فساد و تباهی وآلودگی های اجتماعی نمی گذرند و همواره به نیکی ها دعوت می کنند و از بدی ها و معاصـی و گناهان نهی می نمایند نجات یافتگان و رستگاران واقعی محسوب می شوند و مورد توجه و عنایت خاص حضرت پروردگار قرار می گیرنـد.این انسان های مهـذب و مسـئول به آن دلیل رسـتگار نامیـده شـده انـد که هدایت کننده و مصـلح هسـتند و به برکت وجود آنان انسان ها به راه های رشد و کمال معنوی راه می یابند و در مسـیر روشن و نورانی دین هدایت می شوند. هم چنین با ایثار و فداکاری و تلاش و فعالیت های خستگی ناپذیر این گروه از بندگان خداست

که جامعه های انسانی اصـلاح می شوند و موانع پیشرفت و تکامل آنان مرتفع می گردد و به عزت و بالند گی و اعتلا نایل می آینـد.قرآن کریم دامنه نفوذ و جایگـاه امر به معروف و نهی از منکر را از فضـا و محـدوده جامعه اسـلامی بالاتر می برد و تمام مردم جهـان را مشـمول اجرای این فرمـان و حکم الهی می دانـد و مسـلمانان راستین را موظف می کنـد که علاوه بر محـدوده جوامع اسـلامی و دنیـای اسـلام در گستره کره زمین و سرتاسـر جهـان دعوت به نیکی هـا و نهی از بـدی هـا وپلیـدی ها را در سرلوحه اعمال و اهداف خویش قرار دهند:(کنتم خیر امّه اخرجت للنّاس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر.)شـما مسلمانان بهترین امتی هستیـد که به نفع تمـام مردم جهـان برخاسـته ایـد. زیرا توده هـای مردم دنیا را به نیکی ها و اعمال نافع دعوت می کنیـد و از بـدی ها و پلیـدی ها نهی می نماییـد.آیه شـریفه فوق از زاویه ای دیگر به جایگاه رفیع امر به معروف و نهی از منکر می نگرد و اهمیت آن را می نمایاند و به نقش تعیین کننده اش توجه می دهد. از این زاویه امر به معروف و نهی از منکر اصل و قـانونی است فراگیر و جهان شـمول که هرگز نمی توان آن را به مکان و زمانی خاص محـدود و محصور نمود. بلکه بایـد با نگرشـی جامع و وسیع به این اصل آن را از فضای کشور و جوامع اسلامی بیرون برد و برای رشد و سعادت همه مردم جهان از این عنصـر حیـاتی بهره برد و به اصـلاح دنیـایی که از همه سو، در معرض فسـاد، تبـاهی قتـل ظلم و جنایت است اندیشـید و بر مردمی که برخلاف مسیر فطرت خداجوی خود

به فسق و پلیدی و الحاد و بی دینی آلوده گشته اند، بانگ بیداری و صلای نجات و رهایی برآورد و از خواب غفلت و فراموشی بیدارشان کرد و به خویشتن ِ الهی شان رجعت داد.از دیدگاه قرآن کریم همان گونه که عمل به فریضه امر به معروف و نهی از منکرجامعه های بشری را رو به اصلاح و تکامل می برد و از سقوط در دام مهالک باز می دارد،امتناع از اجرای دقیق آن نیز ضرر و زیان های جبران ناپذیری را در پی می آورد و موجب فساد و جنایت و ظلم و خونریزی در تمام کره زمین می شود:(فلولا کان من القرون من قبلکم اولوا بقیّه ٍ ینهون عن الفساد فی الارض الاّ قلیلاً ممّن أنجینا منهم و اتّبع الّذین ظلموا ما اترفوا فیه و کانوا مجرمین)؛ چرا در امت های گذشته مردمی با عقل و ایمان وجود نداشته که دیگران را از فساد و اعمال زشت نهی کنند، تا ما مثل آن عده قلیل مؤمنانشان را که نجات دادیم همه را نجات و رهایی بخشیم و ستمکاران از پی عیش به نعمت های ناپایدار و حرام دنیوی رفتند، که مردمی بدکار و کافر به جهان آخرت بودند (و بدین جهت همه هلاک شدند).قرآن کریم در آیه فوق یادآور می شود که آنچه موجب گسترش فساد و تباهی و ظلم در زمین و سرانجام نابودی و هلاکت انسان ها می شود، امتناع و خودداری از عمل به قانون امر به نیکی ها و نهی از بدی ها و پلیدی هاست زیرا چنانچه مردم صالح و نیکوکار،گناه کاران و فسادگران را از کژ راهه ها منع می کردند و از انجام فساد و ستم باز می داشتند و به خیر و نیکی ها دعوت و ترغیب می نمودند، قتل

و جنـایت و گناه و پلیـدی کاهش می یافت و پاکی و عفاف و نیکی ها رو به رونق و فزونی می رفت ولی وقتی نیکان با بـدان در آمیزنـد و در کنـار آنان لحظات زنـدگی را سپری کننـد و دعوت به نیکی ها و مقابله با بـدی و شـرور را رها کننـد، طبیعی است که هرگز از فساد و تباهی کاسـته نخواهد شد و ظلم و جور وجنایت گستره خاک را فرا خواهد گرفت و راه نابودی ملت هایی که تن به ظلم و فساد و خیانت می دهنـد با آن که قـدرت و توان کافی برای مقابله با وضـعیت ناهنجار موجود را درخود ذخیره دارنـد از حرکت و تلاش سازنـده سـرباز می زنند هموار خواهد ساخت قرآن کریم صـراحتاً در دو داسـتان عبرت آموز خویش قصور و تسامح گروه های مردم را چنین بیان فرمودند:سکوت و بی اعتنایی در برابر مفاسد اجتماعی را گناه و معصیت بزرگی می داند که دامن گیر صاحبان تسامح و غفلت می شود.

قیام عاشورا پشتوانه امر به معروف و نهی از منکر

در معـارف و مواریث فرهنگی شـیعی تعـابیر و عبـاراتی می یابیم که به زیبایی هر چه تمام تر به نقش محوری امر به معروف و نهی از منکر در بقای دین و استمرار تعالیم و احکام اسلام و اصلاح جامعه و تأمین سلامت و امنیّت و پاکی و عفاف توده های مردم تأکیـد می ورزنـد و با بیان نکته هایی عمیق و عبرت آموز توجه اهل ایمان را به اهمیت این فریضه بزرگ الهی جلب می نماینـد و هرگونه تسامح و غفلت را در عمل به اصل و قانونی که تضـمین کننده حیات سالم و عزت مند جامعه اسـلامی اسـت نکوهش می کنند.این معارف ژرف در واقع شرح جامع آیات قرآن درباره نقش آفرینی عنصر امر

به معروف و نهی از منکر محسوب می شونـد و اصولی که این کتـاب مقـدس دربـاره وجوب و اهمیت این فریضه الهی مطرح می نماید، تفسیر و تبیین می کنند و توده های مردم را به بینش و بصیرت جامع و فراگیر نسبت به وظایفی که عهده دار هستند، می رسانند.اوّلین سخن درباره اهمیت و نقش امر به معروف و نهی از منکر را از رسول گرامی اسلام حضرت محمّد (ص) نقل می کنیم «دیگران را به نیکی وادار کنید و از بدی ها باز دارید، در غیر این صورت سـنت خدایی چنین است که بَدان ِ شـما بر نیکانتان مسلّط خواهند شد و دعاهایی که می شود، فایده ای ندارد و مستجاب نخواهد شد.»در روایت فوق دو نکته و واقعیت ارزشـمند مـورد تـوجه قرار گرفته که لازم است بیـان شـود این گـونه نکته و واقعیت اوّل این است که در صورت ترک امر به معروف و نهی ازمنکر انسان های ناصالح و ناشایست بر نیکان و صالحان سـیطره می افکنند و به ظلم و ستم و فساد می پردازند و عرصه زنـدگی سالم را بر آنان تنگ می سازنـد و راه های رشد و کمال را مسدود می نمایند و آزادی و امنیت و آسایش را که ضـروری ترین نیاز جامعه است سلب می کننـد. این وضـعیت و شـرایط نامساعد و نامطلوب سـنت خدا؛ یعنی اصل و قانون تخلف ناپـذیری است که حـاکم می گردد و مسئول آن کسـی جز خود انسـان نیست هم چنان که هر معلولی علتی دارد و هر پدیـده و حـادثه ای پدیدآورنـده ای هرشـرایط نامنـاسبی که در جـامعه انسانی به طور گسترده و فراگیر حاکم و مسلط گردد، معلولی است که علت اصلی و بنیادی آن خود انسان است و این بدبختی و

ذلّت از جای دیگری نازل نگشته و از درون انسان و خواست و تمایل او تراویده و عینیّت یافته است وقتی پاکی و عدالت و آزادی و امنیّت و راستی و صداقت و دیگر ارزش های الهی صیانت و پاسداری نشود و صالحان و نیکان جامعه در مقابل رشد فزاینده ضد ارزش ها احساس مسئولیت نکنند و دست ظالمان و مفسدان و گناه پیشگان را در انجام هر عمل خلاف و نادرستی گشوده گذارند، طبیعی است که به مرور زمان ارزش ها رنگ می بازند و به فراموشی سپرده می شوند و مفسدان و گمراهان بر نیکان و صالحان تسلط می یابند و نبض جامعه را به دست گرفته و در انجام هر ظلم و خلاف و فسادی رها و بی قید می گردند.این وضعیت معلول سستی و سهل انگاری مردمی است که با چشم خود خلاف کاری و فساد و گناه را مشاهده کردند و لب فرو بستند و راه رشد روز افزون فحشا و پلیدی و فساد گستری مفسدان و معصیت کاران را صاف و هموار نمودند و جامعه را به سراشیبی سقوط و نابودی رهنمون شدند.نکته و واقعیت دوّم این است که در جامعه ای که فحشا و ظلم و پلیدی غالب است و بدها و ناپاکان مسلط گردند، نیکان و صالحان هر چه به پاکی گرایند و لب به دعا بگشایند و به تضرع به درگاه الهی بپردازند و نابودی فساد گستران و ظالمان را آرزو و درخواست نمایند، راه به جایی نمی برند و توجّه حضرت حق و یاری و مساعدت او را جلب نمی کنند.این حقیقت بزرگی است که انسان در نیل به سعادت و رستگاری باید بر عمل خویش تکیه کند

و تلاش و فعالیت گسترده و همه جانبه ای را پشتوانه موفقیّت خود قراردهد. این حقیقت چه در زندگی فردی و چه در زندگی اجتماعی ثابت و غیر قابل تغییر و خدشه است و انسان چه در اهداف و آمالی که در معیشت خویش پی می گیرد، و چه دراهداف جمعی و درباره سعادت جامعه باید به عمل خود متکی باشد و تلاش خستگی ناپذیر خویش را عامل موفقیّت و پیروزی بداند.تعالیم اسلام تأکید و توصیه فراوان دارند که انسان در گرو عمل خویش است و سعادت و شقاوت و پیروزی و شکست او را خود بنا می کند و دنیا و آخرتش را چگونگی کردار و رفتار خود او به آبادانی یا خرابی می رساند.توصیه اسلام به عمل بسیار صریح و روشن است و بر اساس این توصیه های مکرر و مستحکم انجام همه امور در ابعاد فردی و اجتماعی به عهده خود انسان است و دعا نقش یاری رسانی دارد و به هیچ وجه جای عمل را نمی گیرد و تعالیم دینی جز این نقش اصالتی برای دعا نمی گویند.با توجه به توضیحی که گذشت این واقعیت چهره می نماید که در صورت ترک امربه معروف و نهی از منکر و تسلط فسادکاران و جنایت پیشگان بر نیکان و صالحان جامعه هیچ دعایی از سوی آنان به استجابت نمی رسد و هم چنان فساد و گناه رونق می گیرد و مفسدان و ظالمان مسلط و غالب باقی می مانند. زیرا نیکان جامعه از امر به معروف و نهی از منکر امتناع می ورزند و به مقابله با فساد و ظلم و جنایت بر نمی خیزند و هیچ سخن و عمل و حرکتی را در مسیر اصلاح جامعه به ظهور

نمی رسانند. طبیعی است که در چنین شرایطی دعا هیچ نقش و اصالتی ندارد و تنها با آغاز تلاش و فعالیت و مبارزه قولی و عملی با فساد و تباهی است که دعا هم چون نیرویی شگرف و یاری رسان رخ می نماید، و خداوند قادر متعال راه های پیروزی صالحان و نیکان را که با احساس مسئولیت و تعهد به پا خاسته اند و به مقابله با فساد گستران و ظلم پیشگان پرداخته اند،هموار می نماید.

امر به معروف و نهی از منکر در نظرگاه امام حسین

در شروع این بخش سخن را تبرک می کنیم به کلام گهر بار مولای متقیان حضرت علی (ع) که در اهمیّت و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر، می فرمایند:«قوام الشّریعه الامر بالمعروف و النّهی عن المنکر»؛ قوام و پایداری دین به امربه معروف و نهی از منکر است دین مجموعه ای است از قوانین و احکام که سعادت و رستگاری انسان را در عرصه های زندگی فردی اجتماعی سیاسی اخلاقی و اقتصادی تضمین می کند و او را در نیل به رشد و تکامل در ابعاد مختلف مساعدت می کند و راه های مقابله با موانع و آفات و زیان هایی را که تهدیدکننده زیست سالم مادی و معنوی است صاف و هموار می نماید.احکام و قوانین سعادت آفرین و زندگی ساز دینی اوضاع مساعدی را می طلبند تا به ظهور و عمل رسند. تا این اوضاع مطلوب تأمین نگردد، تعالیم و قوانین دین در میان کتاب ها باقی می ماند و راه های رشد و سعادت انسان در ابعاد و شئون مادی و معنوی مسدود و نامساعد می گردد.راه بقا و تداوم و به دنبال آن اجرای احکام و قوانین اسلام با تبلیغ و ترویج تعالیم دینی و مقابله با موانع رشد و گسترش آن هموار می شود. این همان

شرایط و بستر مناسبی است که در آن تفکر دینی رونق می گیرد و احکام و قوانین الهی در عرصه های گوناگون تجلّی می یابد.این شرایط و بستر مناسب فقط در پرتو تحقق امر به معروف و نهی از منکر پدیدمی آید و چنانچه تلاش و کوشش در مسیر تحقق این فریضه الهی صورت نپذیرد، احکام و قوانین دینی تبلیغ و ترویج نمی گردند و در چنین اوضاعی قوام و پایداری دین آسیب می بیند و ارزش های الهی رنگ می بازند و به تعطیلی می گرایند.کلام ارزش مند دیگری درباره نقش و اهمیت و جایگاه امر به معروف و نهی ازمنکر از امیرمؤمنان حضرت علی (ع) آمده که فرمود:«تمام کارهای نیک و جهاد در راه خدا، در برابر امر به معروف و نهی از منکر،هم چون قطره ای است در مقابل دریای پهناور.»در این روایت در کنار کارهای مختلفی که پاکی و نیکی و ارزش مند بودن بر آنها مترتّب است جهاد در راه خدا نیز بیان می شود و این به آن علت است که جهاد درخشش و اهمیّت خاصی دارد و آثار و برکاتی که می آفریند بسیار حیاتی است درخشش جهاد به حدّی است که در آیات قرآن و سخنان ائمه دین جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است و حجم جالب توجهی از آیات و روایات به توجّه تبلیغ ترویج و ارزش گذاری درباره آن پرداخته اند.طبیعی است که جهاد در راه خدا جزء کارهای نیک و از مهم ترین آن ها محسوب می شود و این که حضرت علی (ع) پس از مطرح کردن تمام کارهای نیک عبادت و جهاد در راه خدا را نیز ضمیمه کرده این واقعیّت را القاء می نماید که در این گستره جهاد نیز

که اصلی حیاتی و نقش آفرین است حضور دارد، تا اهل ایمان دریابند که وقتی تمام کارهای نیک با امر به معروف و نهی از منکر مقایسه می شود، جهاد نیز که بسیار مهم و زیر بنایی است نیز در این مجموعه جای دارد.عنصر امر به معروف و نهی از منکر را آن گونه که هست باید مهدی (عج گونه نگریست و این امر تحقق نمی یابد مگر این که دیدگاه های سطحی و نامتناسب باحقیقت این فریضه الهی را رها سازیم و به تعابیر و تمثیل و تشبیه هایی که بر اثر فرهنگ و معارف اسلامی درباره جایگاه اهمیت و نقش حیاتی و زیربنایی این اصل و قانون بزرگ آمده است ژرف نگری و تعمق روا داریم تا به سرچشمه زلال حقیقت رهنمون گردیم سند دیگری درباره اهمیت خاص فریضه و اصل امر به معروف و نهی از منکر ازحضرت امام محمّد باقر (ع) داریم که «وای به حال گروهی که با امر به معروف و نهی از منکر دین داری نمی کنند.»در این روایت امر به معروف و نهی از منکر، مهم ترین نمود و جلوه دین داری محسوب گردیده است یعنی کسانی را می توان دین باور و معتقد و عامل به دستورالعمل های دینی دانست که در عمل به فریضه امر به معروف و نهی از منکر از تقیّدو تعهد لازم برخوردار باشند و به غفلت از کنار آن نگذرند و در کنش و رفتار اجتماعی آنان به وضوح این اصل و قانون الهی ظهور و تجلّی یابد.به دیگر سخن ظهور دیانت را باید در کسانی به روشنی دید، که به این فریضه عمل کنند. زیرا آنان که به این وظیفه الهی عمل

می نماینـد، اوّلاً ـ خود به آنچه می گوینـد،متّصف هسـتند و قبـل از این که از ارزش ها نیکی ها و اعمال صالـح سـخن به میان آورند و دیگران را دعوت به انجام آن ها نمایند، خود عامل و فاعل هسـتند و از هر چه که نهی می کنند و باز می دارند، خود فاصـله می گیرنـد و بـدین ترتیب دین داری را به معنای دوری از گفتار و کردار ناصواب و عملکردهای زشت و خلاف عقل و پای بنـدی به واجبات ودسـتورالعمل های الهی در حرکات و سـکنات خود به ظهور می رساننـد.ثانیاً، با توجه به نقش ویژه ای که جایگـاه امر به معروف و نهی از منکر در قوام دین و دین بـاوری دارد، آنـان بـا عمـل به چنین اصـل و قانونی دین داری را تـداوم می بخشـند و با امر به معروف و نهی از منکر به طور عملی و عینی موجب گسترش تعالیم اسـلام در جامعه می گردنـد. بنابراین کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می نماینـد، به زیباترین وجه دین داری می کنند و به وظیفه و تکلیف خویش در برابر حضـرت حق به نیکی عمل می نمایند، و طبیعی است آنان که این تکلیف و مسـئولیت را رها می کنند و از انجام دقیق و صـحیح آن امتنـاع می ورزنـد، دین دار واقعی نیسـتند و نمی توان آنـان را بنـدگانی شایسـته ومقیّـد و متعهـد در برابر دین و دسـتورالعمل هـای دینی به شـمار آورد.اگر چه سـخن ائمه دین (ع) درباره نقش و اهمیت امر به معروف و نهی از منکر بسـیار فراوان است و با توجه به آنچه از نظر گذشت به نیکی به سـخن حضرت اباعبدالله الحسین (ع) که عمل به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را زمینه ساز

عمل به دیگر تکالیف دینی می داند، و نیز به این حقیقت اشاره می کند که از برکت امر به معروف فرایض دشوار و احکام سنگین به بهانه دشواری و سنگینی از شانه نمی افتند، و در پرتو نهی ازمنکر، لذت های حرام و معاصی ِ شیرین لذت و حلاوت نمی آفرینند و زشتی و قبح خود را پنهان نتوانند نمود، واقف و آشنا می گردیم و این قسمت از خطبه شریف پیشوای بزرگ شهادت را درباره نقش حیاتی امر به معروف و نهی از منکر در احیای دین و تداوم و استمرار ارزش های الهی و دستورهای قوانین اسلامی در جامعه با بینش و بصیرت لازم در می یابیم

امر به معروف و نهی از منکر فریاد بلند بیداری

اباعبدالله الحسین (ع)، پس از اشاره به فلسفه امر به معروف و نهی از منکر و آثار مفید و سودمند آن برای جامعه انسانی کسانی را که به علم و دانش و موعظه و خیرخواهی شهرت یافته اند و مسئولیت خطیر هدایت توده های مردم را به دوش می کشند،مورد خطاب قرار می دهد و وظیفه سنگین آنان را در اجرای فریضه امر به معروف و نهی ازمنکر گوش زد می نماید و از قصور و غفلتشان از بازداشتن حکام ستمگر بنی امیه که مردم محروم جامعه اسلامی را اسیر و مطیع هوا و هوس های خویش کرده اند، انتقاد می نماید:«شما ای مردم دانشمند، ای شخصیت هایی که به علم شهرت گرفته اید و به خیرات و فضایل امتیاز یافته اید. شما ای مردم سخن گو که زبانتان به ادای نصایح و اندرزها آماده است توان گران از شما بیم دارند، و تهی دستان به شما حرمت و احترام می گذارند. بر شما آشکار است که رجحانی بر دیگران ندارید. شما نیکو می دانید که در ساختمان

بدنی هم چون مردم دیگر ساخته شده اید.شما می دانید که نعمتی به کسی ارزانی نداشته اید تا مستوجب منت گردد، با وجود این همه از شـما بیم دارنـد و همه به شـما احترام می گذارند. نیکو بنگرید، ببینید که مایه این همه اعتبار و احترام مقام علمی و برتری فکری شـماست از شـما بیم دارند، زیرا شـما را پشتیبان حقّ و نگهبان حقیقت می شـمارند. به شما امید دارند که برضد تعدی ظلمه از جا برخیزید، و با دل و زبان از حقّ و حقیقت دفاع کنید،و محروما‌ن را به اسـتحقاق خودشان برسانید. در آن جا که شـما از ابزار حقایق زبان بربندید،قومی نابکار و ناسپاس خواهید بود. مقام قیادت و امامت را خوار داشته اید و حقوق ضعفا و تیره بختان را لگدمال کرده اید.این درست است که به عقیده خود حقّ خویشـتن را به دست آورده اید، ولی این عقیده شما سخت نادرست و ضـعیف باشـد، زیرا حقّ شـما از آنچه به دسـتتان داده اند بسـیار بزرگ تر و شـریف تر است حقّ شـما حقّ مردم است در آن هنگـام حـقّ شـما پرداخته می شـود که حـقّ مردم پرداخته شود. در آن روزگـار از نعمت امنیت و آزادی و سلامـت و سـعادت بهره ور باشـید که جـامعه نیز در سایه امر به معروف و نهی از منکر شـما آزادی و سـعادت و سـلامت را به دست بیاورنـد.شب و روز در محراب عبادت می ایستیـد و از خداونـد، بهشت برین در جوار پیامبران و اولیای وی می خواهید، ولی من می ترسم به جای بهشت دوزخ و عذاب و عقاب نصیب شما گردد، و هم چنان که دست به دعا نشسته اید، صاعقه ای فرود آید و شما را یک باره خاکستر سازد.شرف و کرامت

شما در گرو آسایش و امنیّت بندگان خداست هم اکنون می بینید که پیمان الهی را بشکسته اند، و روی از درگاه پروردگار برتافته اند و در عین حال قفل خموشی بردهان دارید. اگر عهد شما را بشکنند، جزع و فزع می آورید، و فریاد وا عهداه برمی بدارید اما در برابر شما، مواثیق پیغمبر اکرم (ص) را ناچیز می شمارند و دم از دهانتان بر نمی آید.کورها، کرها، لال ها، زمین گیران بیچارگان در شهر در تهی دستی و بینوایی به سر می برند. همه گرسنه و همه تشنه اند، اما شما با شکم سیر خود خشنود و خرسندید! دل شما خوش است که سیر و سیراب در پناه ظلمه آرمیده اید و آب و نان شما از برکت سهل انگاری ها و چاپلوسی ها و اهمال و استتاری که در امر به معروف و نهی از منکر به کار می برید، تأمین و تضمین شده است پروردگار متعال به شما فرمان داده که بی هول و هراس مردم را خواه امیر و خواه اسیر، خواه وضیع و خواه شریف به معروف تشویق کنید و از منکر باز بدارید، ولی قدرت ارباب قدرت و ثروت مردم دنیا پرست کجا گذارد که لب بگشایید و حق بگویید.قومی تیره بخت و سیه روزگار باشید که به نا حق بر مسند قیادت و امامت نشسته اید. نه از جای خود برمی خیزید تا آنان که شهامت و گذشت دارند، بر این مسندقرار بگیرند و حق ّالهی را فرو بگذارند، و نه خویشتن تکلیف خود را ادا می کنید. مردمی پست و فرو مایه باشید، زیرا حق ّرا در زیر پای تحقیر و تدبیر واگذاشته اید و به حشمت و شوکت باطل پناه آورده اید.شما سنن پیغمبر (ص) را ترک گفته اید، شما

آداب مرضیه اولیای خدا را فراموش کرده اید.آه چه نیکو بود برای رضای خدا از دل خواه خود می گذشتید، و شهوات خود را در راه حق و حقیقت فدا می ساختید، در این هنگام با چشم سر می دیدید که اوامر الهی از نفس شما صادر می شود و به سوی شما باز می گردد.نه از صولت ظالم می اندیشیدید، و نه به انعام و اکرامش چشم می دوختید، بدون بیم و امید به آنچه که بر عهده شماست می پرداختید. ولی افسوس که بر سفره ناپاک ستمکاران زانو به زمین نهاده اید و طوق و حلقه بندگی و اطاعت آنان را برگردن گرفته اید.احکام الهی را به آنان واگذاشته اید تا هر چه مقتضای شهوت و غضبشان باشد، به کاربرند. زمام امور را به دست اشتباه کار گروهی شهوت پرست و فرومایه تسلیم داشته و خویشتن به گوشه امن و امان پناه برده اید.»با توجّه به خطبه فوق فریادهای بیداری حسین بن علی (ع) به جان تشنه مان می نشیند و فریادگری اش را که لازمه پیدا شدن جایگاه رفیع امر به معروف و نهی از منکر در هر زمان و مکان است درمی یابیم لذا در بخش بعد به نکته ها و درس های عمیق ازجنبه های مختلف که تأمل برانگیز است می پردازیم

نکته ها در خطبه بیداری

در بخش قبل جمله هایی از خطبه حضرت اباعبدالله الحسین (ع) در فریاد بیداری آورده شد که در بخش حاضر موظف شدیم برخی نکته ها و درس های عمیق و ژرفی را که در آن نهفته و از جنبه های مختلف تأمل برانگیز است اشاره کنیم و بعضی را با پرداخت و تبیین و بررسی گسترده و عمیق مورد توجه قرار دهیم ابتدا به اشارات می پردازیم الف توان گران و صاحبان زر و زور از

عالمـان دین بیم و خوف در دل می پرورنـد.این بیم و خوف به آن دلیـل است که عالمـان دینی از سوی خـدا و بوسـیله تعالیم اسـلام مسـئولیت بزرگ پاسداری از وحی و صـیانت از قوانین و احکام دین را بر دوش می کشـند.قوانین و احکام دین ما را به مبـارزه آشتی ناپـذیر با ظلم و اسـتثمار و بردگی فرا می خواننـد و ظالمان و بهره کشان را از تضـییع حقوق محرومان زمین نهی می کنند.طبیعی است که عالمان دین مسـئول تحقیق احکام دینی هستند و قوانین و دستورهای صریحی که به مقابله و مبارزه با قدرت های اقتصادی حاکم بر جهان جهت احیای حقوق ضـعفیان و در بند کشیده شدگان زمین مسئولیت و تلاش وقفه ناپذیر و علمـای دین را می طلبـد. بنابراین خوف و بیم توان گران و صاحبان زر و زور از عالمان دین از محتوای حرکت زا و انقلاب آفرین احکام و قوانین اسـلام نشأت می یابد و بدیهی است که اگر عالمان دینی از مسـئولیت صـیانت و پاسداری از تعالیم دین شـانه خـالی کننـد، خوف و بیم هـای قـدرت هـای اقتصادی ظلم پیشه و اسـتثمارگر نیز فرو می ریزد و زمینه ظهور نمی یابـد و اینجاست که به سـهولت و بی هیـچ مانعی در گسترش بهره کشـی از توده های محروم جامعه از یکـدیگر سـبقت می گیرنـد و دامنه ظلم و سـتم هایشـان را بیشتر و بهتر وسـعت می بخشـند.ب محرومان و پابرهنگان جامعه عالمان دین را اکرام می کننـد و مورد بزرگـداشت قرار می دهنـد. این گرامیـداشت از آن روست که دین حق؛ پاسـداران و جانبازانی را می طلبد تا فرهنگ و معارف الهی را از دستبرد بیگانگان مصون و محفوظ دارند و احکام و قوانین متعالی اسلام را که به احیای حقوق مستمندان و

محرومـان می پردازد و آنان را از ظلم و بهره کشـی می رهانـد و به عزت و افتخار و شـرافت می رسانـد.قیام عاشورا و نهضـت حسـینی در جامعه مسـتقر گردید و این یاوران اسلام و قرآن را از تعدّی ظلم و فشار اختناق حکومت های جور نجات و رهایی بخشـید. بنابراین اکرام و احترام و دوستی محرومان و پا برهنگان جامعه نسبت به علمای دین از عشق و علاقه آنان به دین خدا سرچشـمه می گیرد و تـا زمانی که عالمان و دانشـمندان در مسـیر پاکی که به اسـتقرار احکام الهی و استیفای حقوق توده های محروم می انجامـد، حرکـت کننـد از اکرام و محبـت و دوسـتی زجر دیـدگان و تهی دسـتان جـامعه برخوردارنـد و در غیر این صـورت به دلیـل سـرپیچی از وظـایف و تکـالیف الهی خـود، طرد می شونـد و مـورد نفرت و انزجـار توده هـای مردم قرار می گیرند.ج در کنار ظلمه آرمیدن و در رفاه اقتصادی به سر بردن و از آرامش و آسایش آن برخوردار بودن حق نیست هم چنان که عالمـان وابسـته به بنی امیه چنین می اندیشـیدند.بلکه حقوق آنان وقتی به درستی تأمین می گردد که حقوق اکثر محرومان جـامعه احیـا شودو در پناه امر به معروف و نهی از منکر عالمان دین سـعادت و رفاه عمومی گسترش یابـد و در واقع شـرافت و کرامت گروه عالمـان در پرتو احقـاق حقوق مستضـعفان جـامعه تـأمین می شود.دانشـمندان مرعوب دسـتگاه بنی امیه با آن که توده های مردم محروم چشم امیـد به آنان دوخته بودند، با شـکم سـیر و غرق در نعمت در کنار حکام سـتمگر می غنودند و به برکت مداهنه و چاپلوسی و تمجید از ظلمه به آب و نان می رسیدند. در صورتی که وظیفه الهی امر به

معروف و نهی از منکر بر دوش آنان سنگینی می کرد و موظف بودند، ستمگران بنی امیه را از رفتار ناشایستشان باز دارند و به استیفـای حقوق محرومان همت گمارنـد.د) شـگفت این که عالمان دینی در آغوش بنی امیه غنوده خود را مسـتحق بهشت می دانسـتند و ظلم پـذیری و قصور در انجام وظایف اجتماعی خویش را با عبادت خدا و تمنّای مقامات والای اخروی جمع شدنی می دانسـتند. غافـل از این که امر به معروف و نهی از منکر از چنـان اهمیتی برخوردار است که شب و روز در محراب عبـادت ایسـتادن و به مناجـات و راز و نیـاز پرداختن در صورتی که همراه بـا ترک فریضه امر به معروف و نهی از منکر باشـد، پشـیزی ارزش و اعتبار ندارد و نه فقط موجبات تقرب به درگاه خداوند را فراهم نخواهد آورد، که بیم آن می رود صاعقه ای از سوی خـدا فرود آید و چنین عبادت کنندگان گوشه گیر و بریده از مسـئولیت های اجتماعی را در کام خود فرو برد. چنان که نمونه های فرود و نزول این عـذاب رنج زای الهی در تاریخ وجود دارد و کسانی که از انجام فریضه امربه معروف و نهی از منکر در قیام عاشورا و نهضت حسینی امتناع و اجتناب ورزیدند و فساد گستران و ظلم پیشگان جامعه را به حال خود رها کردند در کام عذاب فرو رفتند.ه) آنچه عالمان دینی جامعه اسـلامی فرو رفته در ظلم و فساد بنی امیه را از انجام وظیفه های الهی شان باز می داشت ترس از صولت ظـالم و مرعوب گشـتن از برق سـر نیزه ها و چشم داشت به انعام و اکرام ظلمه بود.این بیم و امیـد باعث شده بود که دین

خدا ملعبه دست بنی امیه شود و با سکوت رضایت آمیز عالمان دینی و توجیه و تفسیر عملکردهای ناصواب و ضد الهی ظالمان و فساد گستران احکام و قوانین الهی به فراموشی سپرده شوند و از ماهیت و فلسفه اصلی تهی گردند و بنا به مقتضا و مصالح حکومت بنی امیه تفسیر و تأویل شوند.عالمان دینی وابسته به دستگاه جور، با زیر پا گذاشتن حکم صریح دین درباره وظیفه و مسئولیت بزرگ امر به معروف و نهی از منکر که آنان را به مبارزه با ظلم و فساد و جنایت و حمایت عملی از توده های محروم و درمانده فرا می خواند، به گوشه ای امن پناه جستند و از آنچه در پناه ظلمه به دست آوردند، آخرت خویش را از دست دادند و به عذاب رنج زای الهی گرفتار شدند.

عالمان هادیان امت

حضرت اباعبدالله الحسین (ع) در قسمتی از خطبه امر به معروف و نهی از منکر اشاره به دنیاطلبی عالمان دینی می کند و وجود جاذبه های مادی را از عوامل بازدارنده آنان از مقابله با ستم وتعدی حکام بنی امیه لعنت الله علیهم معرفی می نماید. آن حضرت عالمان دینی جامعه ستم زده را مورد خطاب قرار می دهد و جاذبه های مادی و ثروت اندوزی و مال پرستی را عامل سکوت و تسلیم آنان در برابر حکام شقی بنی امیه معرفی می کند.جاذبه های مادی همواره فریبنده و گمراه کننده اند و دل ها را می لرزانند و از راه روشن دین به بیراهه های فسق و گناه رهنمون می شوند. نفس های نامهذب و ناپرورده دربرابر وسوسه ها و تحریض هایی که به بهره وری از ثروت های نامشروع فرا می خوانند،تسلیم می شوند و دین به دنیا می فروشند و برای اندوختن و انباشتن سیم و

زر بیشتر، هر عمـل خلاف و معصیت بـاری را روا می شـمرند و به سـهولت دست به جنایت می آلاینـد. در مقابل ایمان های راسـخ و نفس هـای مهـذب و پرورده در برابر جـاذبه هـا و گرایش های مادی حرام مقاومت می ورزنـد و در هیـچ اوضاعی به باطل نمی گرایند و فقط در محدوده قوانین شـرعی از امکانات مادی بهره می برند.عالمان دینی به دلیل مسئولیت سـنگینی که در برابر دین خـدا دارنـد و هادی ِ امت و نجات دهنـده محرومان از سـتم جباران هسـتند، باید بیشتر از دیگران خود را در برابر جاذبه های مادی نامشـروع مصون و محفوظ دارنـد و برای نیل به این مهم به تزکیه و تهـذیب نفس بپردازنـد و مراحل مختلف صعود به قله تقوا و خویشـتن داری را طی نماینـد.«قرآن کریم جـاذبه هـای مادی حرام و گزینش زنـدگی دنیا و ترجیـح آن بر سرای آخرت را بـه شـدت نکـوهش می کنـد و چنیـن کسـان را فرو رفته در گمراهی می دانـد.»قرآن کریم در سـخنی صـریح کسـانی را که وظیفه و مسـئولیت سـنگین هـدایت خلق را رهـا سـاخته و بـا دل باختگی در برابر متاع دنیا، توده های مردم را از تعالیم دین خـدا محروم می سازنـد، مسـتحق عـذاب الهی می دانـد:کسانی که تعالیم کتاب خـدا را پنهان می دارند، و در برابر متاع ناچیز دنیا بر سـر آن معامله می کننـد، در شـکم های خود چیزی جز آتش نخواهنـد یافت و خـدا در روز بازپسـین با آنان سخن نخواهـد گفت و برای ایشـان عـذابی سـخت و دردنـاک آماده است یکی از مهم ترین مصادیق کتمان تعالیم دین خـدا، امتناع از ترویج و گسترش احکام و قوانین اسلام و تلاش عملی در مسیر تحقق اصولی که به مبارزه با ظلم و ستم و مخالفت

با قدرت های سلطه گری که توده های مردم را به استضعاف می کشانند، است درمیان مردم این عالمان دینی نامتعهد هستند که آن گونه که شایسته است به دستورهای دین ِحق عمل نمی کنند و وظایف و مسئولیت های الهی خود را نادیده می گیرند و احکام و دستورالعمل هایی را که به طور مستقیم و آشکار ستم و جور را نفی می کند و جهاد و مبارزه پی گیر با ظالمان و مفسدان را یک وظیفه و تکلیف واجب و ثابت برای عالمان دینی می دانـد، طرد می کنند و در برابر نعمت های ناپایداری که از ظلمه به دست می آورند دین و آخرت خویش را تباه و نابود می نمایند.در معارفی که از ائمه دین (ع) باقی مانده اشارات و عباراتی می یابیم که به موضوع دنیاطلبی عالمان نامتعهد و گمراه می پردازد و این خصیصه زشت را آفت بزرگ دین و عامل فساد در زمین و سرگردانی و زیان و خسران بندگان خدا معرفی می نمایند.از امام موسی کاظم (ع) نقل است که خدای متعال به حضرت داوود چنین وحی کرد:«به بندگان من بگو که میان من و خودشان عالمی را قرار ندهند که دل باخته وفریب خورده دنیاست زیرا چنین عالمی آنان را از یاد من و از راه دوستی من و مناجات کردن با من دور می سازد. این گونه عالمان راه زنان بندگان من هستند.»در این روایت دل باختگی عالمان دین در برابر مظاهر مادّی و جاذبه های پول وثروت های نامشروع یک آفت بازدارنده محسوب می شود و کسانی که نماینده دین خدا و مدافعان احکام و قوانین الهی و هدایت گر توده های مردم به شمار می روند، چنانچه اسیراین جاذبه های فریبنده و اغواگر شوند و بر سر سفره های الوان دستگاه های جور بنشینند و به

عناد و عداوت با دین خدا بپردازند و قوانین و دستورالعمل های اقتصادی شریعت را بامنافع ضد انسانی و زیاده طلبی ها و افزون خواهی های خود در تضاد و منافات ببینند.چنان که موجود بودن دین را در مقابل متاع ناچیز دنیا به خطر افکنند و از درگاه الهی طردکنند و جایگاه والای معنوی خود را از دست بدهند و از فلاح و رستگاری دور مانند.این دل باختگان دنیا به طور طبیعی بازدارندگان بندگان خدا از یاد خدا و دوستی ومناجات با او هستند و اگر چه خودشان همواره ذکر بر لب و مشغول به راز و نیاز و دارای ظاهر دینی و شرعی باشند، لکن دین را از محتوا تهی می کنند و ذکر و یاد و دوستی باحضرت حق را به معنای واقعی کلمه واژگونه می سازند و از جهت و هدف اصلی خارج می کنند.این عالمان ره گم کرده و گمراه ساز، راه زنان بندگان خدا نام گرفته اند. زیرا متاع معنویت گران بارترین و ارزش مندترین متاع ها محسوب می شود و عالمان نامتعهد وفریفته دنیا که بر سر راه بندگان خدا کمین می کنند و این متاع گران قدر را از آنان می ربایند، راه زنانی هستند که با ربودن گوهر معنویت از کسانی که به دین حق امیدبسته اند و راه رشد و رستگاری خود را در تعالیم الهی جستجو می نمایند، آنان را از هستی ساقط نموده و دنیا و آخرتشان را تباه می سازند.حقیقتاً کجا می توان متاع دنیا را با متاع دین یکسان شمرد و چگونه می شود ربودن متاع های دنیوی را با ربودن متاع دین و معنویت برابر و یک گونه به شمار آورد؟! وآیا راهزنان و ربایندگان هر دو نوع متاع در یک جایگاه قرار دارند و خلاف

و معصیّت و فسادشان یکی است !رسول گرامی اسلام (ص) در نفی و نکوهش دنیاطلبی عالمان دینی که در همه حال و زمان و مکان باید هدایت گران و معلمان راه روشن انبیا و ائمه اطهار (ع) باشند، چنین می فرمایند:«وای بر کسانی که دین را وسیله دست یافتن به دنیا قرار می دهند، اینان گرگانی در لباس میشند، که با نرم زبانی مردم را می فریبند، سخنان ایشان شیرین تر از عسل است و دل هایی چون گرگ دارند...».نکته مهمی که در این روایت مورد توجه قرار گرفته این است که عالمان فاسد و نامتعهد، دین را برای نیل به مطامع نامشروع و حرام چونان بهترین وسیله مورد بهره برداری قرار می دهند و تعالیم الهی را که محکم ترین دستاویز برای نیل به زندگی سالم مادّی و معنوی و رستگاری در آخرت محسوب می شود، هم چون موهن ترین وذلّت آفرین و پست ترین ابزار و وسایل برای جلب توجه صاحبان قدرت و مکنت و نیل به مظاهر و امکانات مادی دنیا، مورد استفاده قرار می دهند.اینان اگر دین را رها می کردند و از جامه دیانت خارج می شدند و به کفر می گراییدند، خطری برای دین نداشتند و نمی توانستند به نام دین بر دین و دین باوری یورش برده و اساس شریعت را هدم و نابود سازند. لکن درد و رنج بزرگ این است که به شدّت به دین می گرایند تا راه نیل به مطامع پست و نامشروع دنیایی را با دستاویز قراردادن تعالیم الهی هموار نمایند.نکته دوم این است که عالمان فریفته دنیا و وابسته به دستگاه های جور به گونه ای سلوک می کنند و در میان توده های مردم مشی می نمایند که قدرت تمیز و تشخیص را ازآنان سلب می کنند.اینان گرگان درنده اند، امّا میش می نمایند،

از همین رو با زبان های نرم و منافقانه وسخنان شیرین و ظاهر فریبنده آحادی از خواص و عوام مردم ملت ها را به اشتباه می اندازند و از بینش و بصیرت نسبت به ماهیّت عملکردهایشان باز می دارند.این جاست که این گمراهان گمراهی می آفرینند و مردم ناآگاه را چشم بسته به دنبال خویش می کشند و هم چنان که خود در کام قدرت های سلطه گر فرو می روند و دین ستیزان را یاری و مساعدت می کنند و دست های پلید آنان را در ارتکاب هر گونه ظلم و فساد باز وگشوده می دارند، مردم ناآگاه را نیز به بیراهه های فساد و تباهی رهنمون می شوند.نکته سوم و مهمتر از نکات دیگر؛ درباره دنیاگرایی و مال اندوزی های نامشروع عالمان دینی در قسمت هایی از وصایای حضرت علی (ع) می یابیم که مولای متقیان خطاب به فرزند بزرگوارش امام حسن مجتبی (ع) چنین می فرماید:«پسرم چگونه فردا در میان گروهی قرارگیری .. که عالم ایشان فریبنده و ظاهرآرا باشد و هوای نفس بر او چیرگی دارد و سخت به دنیا چسبیده است و آن کس از آنان که بیشتر رو به تو می کند، برای غائله آفرینی در کمین تو نشسته است و پیوسته خواهد که حیله ای ساز کند، و در طلب دنیا سخت می کوشد...»روایت فوق نشان دهنده عالمان دنیاطلب و نامتعهدی است که قلوب جامعه هایی را معطوف به دنیا و هر آنچه در آن هست می کنند. شاه راه فرعی ای را پایه می ریزند که عوام و دنباله روهای خویش را بدان راه هدایت می نمایند.اگر چنانچه حبل المتین الهی نباشد و بدان چنگ نیندازیم هر از لحظه ای به قعر دره های وحشت و خوف جهنم سرنگون می شویم در چنین شرایطی اگر یکایک مان زیر بیرق سرخ حسینی و نهضت عاشوراییان

قرار نگیریم و زمینه های نامساعد حق و باطل را برای توده های مردم روشن نکنیم و عالمان دنیاگرا و حرام خوارانی که فقط در خنجر آماده بر ضد دین پنهان ساخته اند، رسوانکنیم به منکراتی تن داده ایم که هر روز در حال رشد و نمو و ایجاد راه های نو در جهان کنونی اند. اینان همواره در صدد حیله سازی و فساد آفرینی هستند و از این راه هم خود به اهداف پست و نازل مادی دست می یابند و هم سلطه گران و ظالمان و دین ستیزان را بر اریکه های قدرت می نشانند و آنان را در تداوم جور و فساد مساعدت می نمایند.در این میان موقعیت پیشوایان حق و شهادت بسیارسخت و رنج زا و حزن آلود است زیرا عالمان دنیاطلب با عملکردهای ناصواب و ضد انسانی شان عرصه را برای مبارزه همه جانبه آنان با ستمگران تنگ می سازند و با مناع آفرین ها و ایجاد غائله های مکرر از طرفی قدرت های ظلم گستر و دین ستیز را یاری می سازند و انرژی و توان می بخشند، و از سویی دیگر جبهه حق را با فریفتن مردم و ممانعت از مساعدت وهمراهی آنان با پیشوایان دین برای سرکوبی ظالمان تضعیف می نمایند.مع الاسف عالمان فاسد و وابسته به دستگاه ظلمه این اوضاع ناگوار را هم برای حضرت امام حسن مجتبی (ع)، و هم برای حضرت اباعبدالله الحسین (ع) به وجود آوردند و بدین ترتیب ارکان سلطه ستم گران بنی امیه را استحکام بخشیدند.

مسؤولیت عالمان وارسته در برابر بدعت گزاران دین

یکی از موضوعات و فصل های درخشانی که در خطبه حضرت اباعبدالله الحسین (ع) درباره امر به معروف و نهی از منکر مورد توجه قرار گرفته بدعت در تعالیم اسلام است امام حسین (ع) خطاب به عالمان دینی ِ گریزان از مسئولیت های اجتماعی آنان را به

بدعت گزاری در دین خدا به نفع ظلمه و برای توجیه وضع موجود که به حاکمیّت بنی امیه و تداوم ستم و فساد و جنایت آنان می انجامیـد، متهم می کند و این عمل ننگین را خیانتی آشکار به اسـلام و موجب سـیطره ظالمان و گسترش فساد و ناامنی در جامعه می داند.این بدعت ها را دستگاه بنی امیه آورد و همه آنان احکام و قوانین اسلام را بنا بر مصالح و مطامع خود توجیه و تفسـیر کردند و حقایق دینی را واژگونه نمودند.نقش عالمان دینی وابسـته به ظلمه این بود که در برابر تغییر و تحول در احکام و بدعت گذاری در دین سـکوت می کردند و وضع موجود را تأیید می نمودند و راه هر گونه شبهه و تردید نسبت به عملکرد حکام جور را بر توده های مردم جامعه می بسـتند، و بنی امیه هم از این سـکوت و تأیید بسـیار خشـنود بودند و از عالمان دینی بیش از این نمی طلبیدند و ضـرورتی نیز نمی یافتند. علاوه بر آن در هر شـرایط و مناسـبتی که ضرورت می یافت عالمان دینی وابسـته بسـیار صـریح و روشن به تأییـد بنی امیه می پرداختنـد و ظلم و فسـاد آنـان را تـوجیه می نمودنـد و مردم را از هر گونه مخالفت و ناخوشنودی بازمی داشتند.امام حسین (ع) در عبارتی از خطبه امر به معروف و نهی از منکر خطاب به عالمان وابسته می فرماید:«احکام الهی را به آنان واگذاشـته اید تا هر چه مقتضای شـهوت و غضـبشان باشد،به کار برند.»سـید الشـهدا (ع) در این عبـارت کوتاه با صـراحت تمام به خیانت و معصـیت بزرگ عالمان دین فروش اعتراض می کنـد تا بلکه به خود آینـد و از خواب غفلت بیدار شوند و احکام و تعالیم دین را

این گونه آسان به دست های جنایت بار بنی امیه نسپرند تا بنابر مطامع نامشروع خویش هرگونه که مایلند در آن تغییر و تحول ایجاد کنند و به نفع خود به توجیه و تفسیر بپردازند و حلال های خدا را حرام و حرام های او را حلال گردانند، و بابدعت گزاری های خود اسلام را از محتوا و حقیقت تهی سازند.بدعت یعنی نوآوری و تازه گرایی و بدعت در دین یعنی عقیده نو یا حکم تازه و بی سابقه و خلاف دین آوردن به تعبیری دیگر بدعت عبارت است از ابداع احکام و تعالیم جدید در همه شئون اعتقادی عبادی اجتماعی سیاسی و اخلاقی که مخالف با اصل و حقیقت دین باشد و فساد و انحراف ایجاد نماید.علمای دین در هر عصری نسبت به بدعت ها و تفسیر و تحلیل های غلط و انحرافی از دین که به واژگونه ساختن تعالیم آن می انجامد و اهداف و آرمان های والای الهی را به فراموشی می سپرد و حقیقت وحی را از محتوا تهی می دارد، مسئول هستند و باید با تمام وجود در برابر هر نوع بدعت و انحراف مقاومت نمایند و به معرفی چهره واقعی دین بپردازند و آن را از پیرایه ها و آرایه ها بزدایند.اگر علمای دین در انجام تکالیف خویش قصور ورزند و به بدعت زدایی از تعالیم الهی نپردازند، دین از محتوا و حقیقت خود منحرف می شود و فلسفه و اهداف تعالیم عبادی سیاسی اجتماعی و اقتصادی خود را از دست می دهد و مردم دین دارانی می شوند که دین دار نیستند و به نام اسلام از اسلام دوری می جویند و به بیراهه های جهل و گمراهی ره می سپرند.در چنین اوضاعی دین به تعطیلی و فراموشی کامل می گراید و

در حالی که ظاهرش باقی است باطنش از بین رفته و فقط نامی از آن بر زبان ها جاری می گردد.این موقعیت و اوضاع کافران و ستم گران را بر اریکه های قدرت می نشاند و آنان به نام نمایندگان دین خدا و جانشینان رسول خدا بر جامعه اسلامی حکومت می رانند، چنان که بنی امیه چنین کردند.بدعت در دین و خطرات مهلک ناشی از آن از موضوعات بسیار مهمی است که در تعالیم مکتب اسلام مورد لحاظ و توجه خاص قرار گرفته و پیشوایان دین درباره آن بسیار سخن گفته اند و فراوان هشدار داده اند.در سخنان پیامبر اکرم (ص) یکی از حیاتی ترین وظایف و مسئولیت های عالمان دین در هر عصری مبارزه و مقابله صریح و قاطعانه با بدعت ها معرفی شده است از رسول مکرم اسلام (ص) نقل شده که «بار حفظ این دین را در هر قرن مردمان عادلی بر دوش دارند که تأویل های باطل اندیشان و تحریف های گزافه گویان و ساخته های نادانان را از آن دور و نابود می کنند، به همان گونه که کوره پلیدی و ناخالصی آهن را از آن دور می نماید.»تلاش های وقفه ناپذیر پیامبر اسلام (ص) فقط به تبلیغ و ترویج دین در میان مردم و ابلاغ فرمان های الهی به جامعه های انسانی منحصر نبوده است بلکه در کنار گسترش تعالیم دینی فعالیت علمی برای حفظ حقیقت دین و زلالی تعالیم آن بسیار اهمّیت دارد؛از همین رو، علاوه بر مبارزاتی که خود در دوران حیات پاك و پر برکتش برای پاسداری وصیانت از دین و جلوگیری از خطر تحریف و بدعت می نمود، این مسئولیت و تکلیف را به عهده امامان معصوم (ع) و عالمان دینی وارسته و مسئول و متعهد سپرد تا در هر

عصری به محفاظت از تعالیم ناب و خالص اسلام بپردازند و با تحریف گران و بدعت گزاران مقابله و مبارزه کنند.اهمّیت مبارزه با تحریف و بدعت آن گونه اهمّیت دارد و آن سان باید دقیق و ظریف تحقق پذیرد در سخن پیامبر اکرم (ص) از آن به کوره ای که پلیدی و ناخالصی آهن را می زداید، تشبیه شده است یعنی عالمان دین باید هم چون کوره های داغ و شعله ورباشند که هر ناخالصی و تحریف و باطلی که حقیقت دین را به خطر می افکند و برای جامعه های اسلامی انحراف ایجاد می نماید و دشمنان خدا را بر مقدرات مسلمانان مسلط می سازد، ذوب کنند و از بین ببرند و همواره اسلام را خالص و به دور از هر پیرایش و آلایش به دست نسل های بشر بسپرند.در اوضاعی که بدعت ها چهره نمایاند و فتنه ها سر برآوردند و موجود بودن دین و حقیقت اسلام با خطر تحریف و واژگونی مواجه شد، عالمان متعهد و درد آشنا قیام کنند و در اوج آگاهی و کمال شهامت و شجاعت در مقابل تهاجم اندیشه های باطل و عاری ازحقیقت که راه را بر رشد و کمال و سعادت توده های مردم برمی بندند و در مقابل خورشید تابان اسلام ابرهای تیره تشکیک و تردید به وجود می آورند، پایداری ورزند و تعالیم زلال دین را آشکار سازند و جلوه های نورانی اندیشه و تفکر دینی را در عرصه و آموزه های سیاسی اجتماعی اخلاقی و اقتصادی و فرهنگی آیین حیات بخش اسلام را و در تمامی لحظات و شئون زندگی مادی و معنوی جاری گردانند.حضرت امام جواد (ع) مسئولیت سنگین عالمان وارسته و دل بسته به حق و ذوب شده در اسلام را که

تمام هستی خویش را در راه احیاء دین حق و مقابله با کژیها و ناراستی ها و تحریف و بـدعت ها فـدا می سازنـد و چون ارواح پاک و منزّه بر پیکرهای سـرد دمیده می شوند، این گونه توصیف می نماید:«خدای متعال در امت هر یک از پیامبران تنی چند از عالمـان بگمـارد، تـا گمراهـان را به راه آوردنـد، و بـا مردم در تحمـل آزار مخالفان همراه باشـند، و فریادگر الهی را پاسـخ گویند، و مردمان را به خدا بخوانند... اینان با کتاب خدا مردگان را زنده می کنند و با روشنی خدایی کوران را بینا می سازند، چه بسـیار کشته های ابلیس که به دست ایشان زنده شدند،و چه بسیار گمراهان و سرگردانان را که ایشان هدایت کردند. آنان خون خود را برای جلوگیری از هلاکت بندگان می دهند...»

دو مشخصه بارز عالمان متعهد

طبیعی است که درخشـش عالمان دین و جایگاه بلنـد و مقام و منزلت والایی که اسـلام برای آنان قائل شده از همین مجاهدت هـا و فـداکاری هـا نشئت می یابـد و اگر عالمـان هم چـون عابـدان به گوشه ای می خزیدنـد و به ذکر و مناجـات اشـتغال می ورزیدند و از مسـئولیت سـنگین هدایت و رنج و سـختی های این راه پر فراز و نشـیب شانه خالی می کردند و درباره اسارت و بردگی و درماندگی بندگان خدا بی تفاوت بودند، این گونه به نیکی یاد نمی شدند و در درگاه الهی به تقرّب و نزدیکی نمی رسـیدند.پیامبر گرامی اسـلام (ص) برتری و رجحان عالمان دل سوخته اسلام و مسئول و متعهد در برابر جامعه را این گونه می نمایانـد:«برتری عالم بر عابـد هفتاد درجه است و فاصـله میان هر دو درجه به انـدازه هفتاد سال دویدن است و این به آن سـبب است که شیطان بدعت ها را برای

مردم فراهم می آورد و عالم آن ها را می بیند و از آن ها جلوگیری می کند، در صورتی که عابد به عبادت خود مشغول است و متوجه بـدعت ها نمی شود و آن ها را نمی شـناسد.»در این روایت به دو شاخص بارز عالمان متعهـد، در برابر عابدان گوشـه گیر اشـاره شـده است الف شـاخص اوّل بینش و آگـاهی و شـناخت آنان بـدعت ها و تحریف ها و خطراتی را که متوجه دین است ب شاخص دوم احساس مسئولیت الهی برای مقابله و مبارزه با دگرگونی هایی که از سوی بدعت گزاران جامعه دینی را تهدیـد می کند و تعالیم مقدس اسـلام را از حرکت آفرینی و به تحقق رساندن اهداف و آرمان های مورد نظر باز می دارد.در مقابل عابدان قرار دارند که به دلیل عدم برخورداری از بینش و آگاهی ازشناسایی بدعت ها و تحریف ها عاجز می مانند و در نتیجه قادر به جلوگیری از آن ها نیسـتند و همواره سـر در گریبان خویش دارنـد و به خود و بیرون آوردن گلیمشان از آب می اندیشـند، حال آن که عالم متعهد و مسـئول به جامعه می اندیشد و در برابر بدعت های چپ و راست جاهلان و نادانان ایستاده و آماده مبارزه با تحریف گران و بـدعت گذاران است با توجه به آفات و خطراتی که از سوی بدعت گذاران و تحریف گران موجود بودن دین به عهده دارند، طبیعی است که قصور و تسامح و غفلت از آنان مهلک و خطرآفرین است عالمانی که از این رسالت و مسـئولیت الهی شانه خالی می کنند و با مشاهده بدعت ها قفل خموشی بر دهان می زنند و به تبیین صحیح دین نمی پردازند و با صاحبان قدرت و عوامل آنان که به واژگونه کردن حقایق الهی و بدعت و تحریف در احکام

و قانون های دین می پردازند و به مبارزه برنمی خیزند، مورد خشم و غضب خدا قرار می گیرند و از فلاح و رستگاری محروم می شوند؛ پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «چون بدعت ها در امت من پدید آید، بر عالم است که علم خود را آشکار کند، پس هر کس چنین نکند لعنت خدا بر او باد.»عالمان دینی ِ جامعه ای که حضرت امام حسین (ع) برای اصلاح آن قیام کرده بود،این گونه بودند. پیشوای شهادت از همین رو، آنان را مورد خطاب قرار می داد و به خویشتن خویش و مسئولیت شناسی و قیام و حرکت برای مقابله با بدعت هایی که بنی امیه در دین به وجود آورده بودند و جامعه را به بی دینی کامل و سقوط در مهالک فسق و گناه سوق می دادند، فرا می خواند. لکن فریادهای بیداری آن پیشوای بزرگ در گوش های سنگینشان اثر نمی گذاشت و از خواب غفلت و نسیان بیدارشان نمی کرد، که آنان به سختی به متاع دنیا و زرق و برق سکه های سیم و زر و سفره های رنگین و نعمت های الوانی که در پناه ظلمه به دست می آوردند، وابسته بودند و خود آگاه دین را به دنیا فروخته بودند.

خطرناکترین آفت

اشاره

چهارمین قسمت از خطبه پرشور امام حسین (ع) درباره جایگاه امر به معروف ونهی از منکر در قیام عاشورا و نهضت حسینی (ع) به غنودن عالمان فریفته دنیا در آغوش ستمگران بنی امیه و پیامدهای شوم و ناگواری که از ارتباط و پیوند عالمان دین با دستگاه ظلمه موجود بودن اسلام و جامعه اسلامی را تهدید به هدم و نابودی می کند، اشاره می نماید.اباعبدالله (ع) خون های به نا حق ریخته شده و فساد و جنایتی که فضای جامعه را آلوده کرده

و ظلم و ستمی را که بر همه جا دامن گسترده بود، از سوی عالمان وابسته به دربار بنی امیه که در برابر عمل کردهای خائنانه و جنایت بار آنان مهر سکوت بر لب زده وبه توجیه وضع موجود می پرداختنـد، می داند و این گونه این فریفتگان و دین به دنیا فروشـان را مـذمّت و نکوهش می کنـد:«می دانیـد این خون هـا را کـدام دست بر خـاک راه فرو می ریزد؟ می دانیـد این همه حقوق را کـدام پا لگد مال می کند؟ می دانید این همه فجایع و جنایت ها و رسوایی ها ومظالم از کدام کانون مایه می گیرد؟ از وجـود شـما، از دسـت هـای لرزان و پاهـای گریزان شـما.ترس شـما از مرگ حرص شـما به ثروت و مکنت شـهوت شـما به مشـتهیات دنیا، مردم را به این روز سـیاه نشانده است دل بسـتگی شـما به این زندگی چند روزه ملت های ضعیف را در چنگ اقویای شـرور و شـهوت ران گرفتار ساخته است قومی که به ناحق در تبعید به سـرمی برند و قومی که در محیط زندگانی خود از حقـوق زنـدگی محرومنـد. این سـتم هـا از شـما، ازسـکوت شـما، از سـهل انگـاری و ضـعف شـما، از خودخواهی شـما، از خودداری شـما در امر به معروف و نهی از منکر پدیـد می آیـد.مگر نمی بینید با مردم چه می کنند؟ در مال و جان و ناموس و به نـام مردم چه حکم هـا می راننـد؟ مگر نمی شـنوید که خطبای این قوم بر منبرها چه می گوینـد و با چه جرئت و جسارت بر ضـد مبـانی اسـلام خطابه ها ایراد می کننـد، و از آفریـدگار خویش شـرم ندارنـد!کره زمین به رایگان در اختیارشان افتاده و بر بندگان خدا، جابرانه حکومت می کنند، چنان که گویی مردم بردگان زر خرید آنانند! نه کسی یارا

دارد از حق سخن گوید،و نه دست توانایی پیش می آید که از خون و ناموس خود دفاع کند. این فرومایگان همواره در میان مردم مطاع باشند، مطاعی که نه مبدأ می شناسد و نه به معاد ایمان دارد.بسیار شگفت انگیز است ولی مرا شگفتی نیاید؛ زیرا شرایط محیط حکومتی کریه پدید آورده و سکوت مردم دانشمند و آگاه فرماندگان ناسزاوار را بر مسند فرماندهی نشانده است فقط خداوند قاهر و قادر است که میان ما تواند حکومت کند و قضاوت اوست که به اختلافات پایان خواهد بخشید.»در تعالیم مقدس اسلام یاری و مراوده با ستم گران به شدّت مورد مذمت قرار گرفته و اهل ایمان از ارتباط و مساعدت با ظلمه نهی گردیده اند، زیرا هر گونه مجالست و پیوند و مراوده با ستمگران به کمک و یاری رساندن آنان در مقابله و مبارزه با دیانت و تلاش جهت از بین بردن آثار معنویت در جامعه می انجامد، و از سویی دیگر دست جنایت بار ظلمه را در انجام قتل و غارت و تضییع حقوق درماندگان باز و گشوده می گذارد.کسانی که دست دوستی و مودّت در دست های خون آلود ظالمان می نهند، در هر فساد و گناه و جنایتی که آنان مرتکب می شوند شریک و سهیم هستند و در بقای ظلم و تداوم عمل کردهای ظالمانه ستمگران و فساد گستران نقش اساسی به عهده دارند.در این میان ارتباط علما و شخصیت های دینی با ستم گران بسیار خطرناک تر است و آفات و زیان هایی که تولید می کند با آفات و خطراتی که از پیوند سایر اقشار جامعه با ظلمه به وجود می آید، مقایسه شدنی نیست زیرا اینان نمایندگان دین خدا و جانشینان رسول خدا (ص) محسوب می شوند و وظیفه و

مسئولیت اصلی آنان حفظ اصالت دین و صیانت از احکام و قوانین الهی و ارزش های والای بر آمده از دین است پناه بردن به ظلمه و زندگی با حکام ستم گر موقعیت دین را به خطر می افکند و حقایق الهی را دچار تحریف و دگرگونی می کند و مسیر تعالیم اسلامی را منحرف و به بیراهه ها رهنمون می سازد. مگر نه این است که دین حیات بخش اسلام با ظلم و جور سرستیز دارد و صلح و آزادی و امنیّت و عدالت را با حیات ننگین و جنایت بار ظالمان و ستمگران قابل جمع نمی داند و مقابله و مبارزه وقفه ناپذیر سلطه جویی و خیانت و جنایت حکام جور را تنها راه نجات و رهایی تودهای مردم تلقی می کند؟و مگر نه این است که ظالمان و سلطه گران به دلیل ماهیت ظلم ستیزی احکام و قوانین متعالی اسلام به عداوت و دشمنی با این دین پاک و رهایی بخش می پردازند وحیات اسلام را مساوی با هدم و نابودی منافع نامشروع و ضد انسانی خویش می دانند؟ بنابراین این طبیعی است که عالمان دینی وارسته مسئول تحقق تعالیم اسلام هستند و مبارزه با ستم و مخالفت با سلطه گری و فسادطلبی ظالمان و ستمگران را از وظایف و تکالیف اوّلیه خویش می دانند. با این وصف عالمان دینی را چه جای یاری ظلمه و حاکمان ستمگر؟!هر گونه پیوند و مراوده و مساعدتی که از سوی عالمان دینی با حکام جور صورت گیرد، خیانت به دین و حرکت در مسیر هدم و نابودی اساس دیانت محسوب می شود و طبیعی است که در طول تاریخ هیچ آفت و خطری هم چون غنودن عالمان فاسد در دامان ظلمه و توجیه ستم

و تعـدی تجـاوز دسـتگاه هـای حکومتی ظالم بر پیکر دین اسـلام ضـربه نـواخته است تازیانه های سـتمی که عالمان نامتعهـد و وابسـته به دربارهای حکام سـتم گر بر پیکر اسلام وارد ساخته اند، بسیار دردناک است و با هیچ ضربت و آفت و خیانت دیگر مقـایسه نمی شـود.اگر سـتم گران در جـامه دیـانت درآمدنـد و به نـام دین بر پیکر دین ضـربه زدنـد و به تحریف قوانین الهی پرداختند و ماهیت احکام را دگرگون ساختند، عالمان وابسـته مسـبب و عامل اصـلی آن بودند، و اگر نبود خود فروشی و دین فروشـی این فاسدان دنیاطلب حاکمان جور هرگز به این سـهولت نمی توانستند دین را به بازیچه بگیرند و احکام و قوانین الهی را بنابر مصالح و منافع نامشروع خویش توجیه و تفسیر کنند و بر دهان توده های مردم قفل خموشی و سکوت بزنند و جماعتی از آنان را به موافقت و اطاعت محض از خود سوق دهند و گروه های مخالف را از دم تیغ بگذرانند و هر ندای آزادی خواهی را در گلو خفه سازنـد.در فرهنـگ و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر، از دیـدگاه نهضت حسـینی (ع)،چنانچه ارزش ها و مرارت های عالمان مخلص دین و ائمه اطهار (ع) نادیده گرفته شود؛آگاهانه نشسـتن در کنار سفره و هم نشینی با ستم گران و سلاطین جور و مساعدت و یاری رسانی به آنان است و معصیتی بزرگ خواهد بود که موجب خشم و غضب الهی معرفی شده است این تعـابیر و یـاری ظالمان دو گونه انـد:دسـته و نوع اوّل در عبادت مختلف به نفی کلی این کمک کردن می پردازنـد و خطاب آن ها عموم مسلمانان است نه قشر خاصی از افراد جامعه اسلامی دسته و نوع دوم به عالمان

دین اختصاص یافته و آنان را مورد خطاب قرار داده و از مجالست با سلاطین جور و کمک و مساعدت به دستگاه های حکومتی شان نهی می نماید. ابتدا برخی از دستورالعمل های نوع اوّل را که خطاب آن ها عام و فراگیر است مورد توجه قرار می دهیم و سپس به بررسی دستورها و خطاب های خاص می پردازیم از پیامبر گرامی اسلام حضرت محمّد (ص) نقل است «از دربارهای شاهان و سلاطین و حاشیه های آنان بپرهیزید، که نزدیک ترین شما به این درها و حاشیه ها دورترین شما از خدای متعال است و هر که سلطان را بر خدای عزوجل برگزیند، خدا ورع و پرهیزکاری را از او می گیرد و او را حیران و سرگردان می سازد.»این دستور العمل همه مسلمانان را از ارتباط و یاری سلاطین و حاشیه ها و اطرافیان آنان نهی می نماید و سه اثر و زبان بزرگ بر این پیوند مترتب می داند:اوّل این که تقرب و نزدیکی به دربار ستم گر و اطرافیان آنان دوری از درگاه حضرت باری تعالی را در پی خواهد داشت و به هر میزان که بنده ای به ظالمان نزدیک شود و به دوستی و یاری آنان بپردازد، از موهبت و دوستی خدای متعال فاصله می گیرد و خشم و غضب الهی را برای آخرت خویش ذخیره می سازد؛ دوم این که با این پیوند و یاری نامقدس و معصیت بزرگ خداوند ورع وپرهیزکاری را از او می گیرد و دلش را از لذت و انس با حق-محروم می دارد و از مقام والا و شریف تقوا بی نصیب می سازد؛ و سومین اثر و زیانی که مسلمانان از ارتباط با سلاطین جور نصیبشان می شود،آنان را به تحیّر و سرگردانی می افکند تا دنیا و آخرتش به

تباهی گرایـد و سراسـیمه به هرسو شـتاب گیرد و چنـان در لجن زارهـای عفن گناه و ذلّت و بی خـدایی فرو رود که هیـچ راه رهـایی و نجـاتی برایش متصوّر نباشـد و به جهـل و حرمـان و انـدوه لحظـات عمر را سپری سـازد.روایت دیگری نیز در نهی از مجالست با ستم گران از رسول گرامی اسلام (ص) آمده است «چون روز قیامت فرا رسد، منادی بانگ کند: کجایند ستمگران و دستیاران سـتمگران یعنی کسـی که لیقه ای در دوات ایشان گذاشـته یا سر کیسه ای را برای آنان بسته یا یک بار برای ایشان قلـم بـه دوات زده است همه را بـا آنـان محشـور کنیـد.»لیقه در دوات گذاشـتن سـر کیسه بسـتن و قلم به دوات زدن که در این روایت به آن اشـاره شـده هر کـدام نمـونه و مصـداق بوده و مقصود اصـلی نفی هر نوع هم کـاری بـا ظلمه چه کوچـک و چه بزرگ است از نگـاه این روایت کسـانی که به طریقی بـا سـتم گران پیونـد دارنـد و در امور آنـان کمک و مساعـدتی روا می دارند، اهل معصیت و گناه به شمار می روند و عملشان هم چون عمل ظالمان و سلطه طلبان نوعی ستم محسوب می شود؛ زیرا توان و نیرو به سـتم گررساندن و یاری و مساعدت او برای گسترش ظلم و جور در زمین شرکت در ستم به بندگان خدا بوده و از همیـن رو، هـم نشـینان و یـاری رساننـدگان به سـتم گران در گنـاه بزرگ آنـان سـهیم و شـریک است علت این که در روز واپسـین قیامت با آنان محشور می شونـد ونصـیب و بهره ای که می برند، عذاب رنج زای الهی است عمل کردهای ناصواب و ضدانسانی خود آنان است پیامبر گرامی اسلام حضرت محمّد (ص)

در روایت سوم دربـاره نهی از منکر از مجـالست و پیونـد بـا سـلاطین جور چنین می فرمایـد:«هر کس که سـلطانی را به چیزی خرسـند کنـد که آن چیز مایه خشم خـدای متعال است از دین اسـلام بیرون رفته است »این روایت از دیدگاه پیامبر اکرم (ص) چنین رابطه و هم کـاری با سـتم گران را نکوهش می نمایـد. آفات و خطرهای ارتباط با ظلمه و یاری رسانی به آنان آن چنان عظیم و مهلک است که به خروج انسان از دین اسـلام می انجامد؛ یعنی یاور سـتم گران نباید و نمی توانند دیانت را با پیوند و یاری ظالمان جمع کنـد و چنین بپنـدارد که می تواند از سویی سـلطان سـتمگری را خرسـند سازد و یاری برساند و دست های جنایت بارش را در انجام فساد و سـتم و تعدی به بی گناهان و مظلومان به گرمی بفشـرد، و در عین حال سر به سجده بسایند و خداوند قادر متعال را به بزرگی یاد کنند و از درگاهش فلاح و رسـتگاری بطلبند.هم کاری و مجالست با ظالمان و سـتم گران یعنی نفی تعالیم دین و نفی بنـدگی خـدا، با این وصف چگونه می توان حاکمان جور را با زیر پا نهادن احکام و دسـتورالعمل هـای الهی که به شـدت پیونـد بـا ظلمه را نفی می کننـد، اطاعت نمود و در کنار آن اطاعت ازخداونـد متعال و تسـلیم در برابر فرمان های او را مدعی گشت روایاتی که گذشت و نیز روایات فراوان دیگری که در این موضوع وارد شده است مسـلمانان را به شـدت از نزدیکی به دربـار سـلاطین جور و یـاری و مساعـدت آنـان نهی می کنـد و این عمـل را از معاصـی کبیره و رذایل بزرگ و مهلک می دانند، و در نقطه مقابل

امتناع و خودداری از ظالمان و ستم گران را ارزش بزرگ اخلاقی معرفی می نمایند و بندگانی را که در انجام این وظیفه و تکلیف الهی دقت و مراقبت روا می دارند، تمجید می کنند و برترین و با فضیلت ترین افراد امت می نامند.

خطر عالمان غیر متعهد

اشاره

عالمان دینی به دلیل جایگاه و نقش خاصی که در جامعه دینی دارند، مشی و رفتارشان تأثیر گذار و تعیین کننده است و سرنوشت توده های مردم با نحوه عمل آنان مرتبط است و همان گونه که سیره و روش نیکو و عملکردهای مثبت و خدا پسندانه ای که از این گروه از بندگان خدا صادر می شود، راه گشا و سازنده و حیات آفرین است حرکات ناصواب و مواضع نامعقول و خلاف شرع آنان زیان آور و موجب رکود دین در جامعه می گردد.چنانچه اگر یکایک عالمان دهر و شهروندان جامعه های اسلامی بتوانند، جایگاه ارزشی امر به معروف و نهی از منکر را در وجودشان ملکه کنند، آن جهانی را مملو از عدالت می یابند که در هیچ لحظه و زمان و مکانی به کسی تعدی و بی حرمتی و حتی ارزش ها را در رفیع ترین دیدگاه دینی و اخلاقی پاس خواهند داشت از عمل کردهای خلاف شرع عالمان دینی نامتعهد، پیوند و ارتباط با حکام و سلاطین جور است این حرکت ناصواب عالمان دینی را از جایگاهی که اسلام به آن اختصاص داده و منزلتی که برای آنان قائل شده تنزّل می دهد و به جرگه ستم گران و ظالمانی که بر سر راه دین خدا مانع ایجاد نموده و با احکام و قوانین الهی به ستیز و مبارزه می پردازند، وارد می سازد.در تعالیم اسلام درباره نفی پیوند و یاری عالمان دینی با ستم گران و نهی آنان از

سقوط در دامـان ظلم دسـتورها و خطـاب هـایی خـاص وجود دارد.از حضـرت امـام جعفرصادق (ع) نقل است که پیامبر اکرم (ص) فرمود:«فقیهان تا زمانی که در کار دنیا وارد نشـده انـد، امانت دار پیامبراننـد. گفتند: ای پیامبر خدا (ص). در آمدن آنان به دنیا چگونه است فرمود: پیروی از سلاطین است و چون چنین کردند از آنان بر دین خود بیم ناک باشید».از نگاه این روایت غنودن عالمـان نامتعهـد در دامـان ظلمه و تأسـی و پیروی از آنان مصـداق کامل دنیاطلبی محسوب می شود. زیرا سـتم گران با بهره گیری از جـاذبه های مادی که در جلوه و نمودهایی چون مقام و ریاست های باطل شـهرت طلبی پول و ثروت های کلان و تجمل گرایی به ظهور می رسـند، دام های خود را بر سر راه عالمان ضعیف النفس می گسترند و موجب می گردند که آنان دین به دنیـا بفروشـند و بر خرمن عبـادات خویش آتش جهـل بیفکننـد و به خسـران و زیـان بزرگ گرفتـار آینـد.وقتی عالمان نامتعهـد اسیر مطامع سـلاطین جور شدنـد و به مساعـدت آنان شـتافتند، دین به آفت و خطر مبتلا می گردد. در چنین اوضاعی توده های مسـلمان باید از آگاهی و بینش کافی بهره برند، تا بدین وسیله قادر به تشخیص حق از باطل و عمل کردهای صواب از ناصواب باشـند و عالمان صالح را از فاسد تمیز و تفکیک دهند و به نفی و طرد کسانی بپردازند که با زمین نهادن مسـئولیت بزرگ و حیـاتی امر به معروف و نهی از منکر که بزرگ ترین بخش آن در مخـالفت بـا ظالمـان و فاسـدان تجلی می یابـد، به ارتباط با ظلمه و توجیه ظلم و سـتم آن همّت می گمارنـد.مردمی که با نگاه های نافذ، حرکات و سـکنات عالمان دینی را زیر نظر می گیرند

و صالح و فاسد آنان را از هم جدا می کنند و به حمایت عملی از عالمان وارسته و دل سوخته و نستوه می پردازند و عالمان فاسد و نامتعهد را طرد می کنند، به دستورالعمل های صریح اسلام مبنی بر دقت و مراقبت برای گزینش عالمان پاک و مسئول و تطبیق خصال و ویژگی های تعیین شده شرعی با حالات و عمل کردهای عالمان دینی عمل می نمایند وتا زمانی که این مراقبت و بینش و آگاهی از سوی توده های مردم مسلمان رعایت شود،راه های تسلط عالمان نامتعهد هموار نمی گردد و دین از سوی این دین فروشان ظلم پذیر زیان مند نمی شود و جامعه دینی همواره از اندیشه و عمل سازنده عالمان دل سوز و مبارزه بهره می گیرد.رسول مکرم اسلام (ص) در روایتی دیگر یاری و ارتباط عالمان دینی با حکام ستمگر را این گونه به تعریف می پردازند:«هر کس که شغل قضاوت در حکومت ظالم را پذیرا گردد، یا در این کار کمک و مساعدتی به آنان برساند، سپس فرشته مرگ بر او فرود آید، به او می گوید: بشارت باد بر توبه لعنت خدا و آتش دوزخ و آن بد جای گاهی است »اشاره به مسند قضاوت دستگاه های حکومتی ظالم اهمیت خاص این شغل و نقش آن در تولید آفات و مفاسد برای جامعه دینی را نشان می دهد؛ زیرا تکیه بر این مسند با تسلط کامل بر جان و مال و ناموس و آبروی مردم همراه است و کسانی که به این مسئولیت اشتغال می ورزند به شکایات و اموری می پردازند که در صورت سیطره تمایلات نفسانی قلم به نفع ظالم و به زیان مظلوم به چرخش و نگارش می اندازند و جان و مال و آبروی مردم را در معرض

خطر و زیان قرار می دهند.اگر عالمان فاسد و نامتعهد بر مسند قضاوت دستگاه های جور تکیه زنند، طبیعی است که در جهت تحقق اهـداف و آمال انان حرکت می کننـد و بر اساس ضوابط و معیارهای قضایی ظلمه به قضاوت می پردازنـد و حقوق توده های مردم را به نفع ستم گران تضییع می نمایند و زمینه ساز فساد و قتل و غارت در جامعه می گردند.واکنش و عکس العمل طبیعی سیره و کنشهای ناصواب و ضدانسانی عالمان نامتعهد در دستگاه های قضایی ظلمه عذاب رنج زای الهی است و از همین رو، به هنگام مرگ فرشتگان آنان را به لعنت خدا و آتش دوزخ بشارت می دهند.

سه نکته درباره خطر عالمان نامتعهد

در روایات و سخنان ائمه دین به برخی از علمان فاسد و غلتیده در آغوش ظلمه اشاره شده و عمل کرد ننگین آنان به شدت مورد نکوهش قرار گرفته است حضرت امام زین العابدین (ع) به یکی از فقهای دربار بنی ایمه نامه ای می نگارد و او را نکوهش می کند و از قبح و خطر بزرگی که بر عمل او مترتب است تنبه می دهد. این نامه با حکام ستم گر است و به نیکی جنبه های مختلف را از جایگاه امر به معروف و نهی از منکر، بهره برداری خلاف شرع ظلمه از عالمان فاسد را می نمایاند. لذا حضرت علی بن الحسین (ع) به محمّد بن مسلم زهری چنین می نویسد:«پس بنگر فردا که در پیش گاه خدا می ایستی چگونه مردی خواهی بود... گمان مبر که خدا عذر تو را بپذیرد و از تقصیرت درگذرد، هیهات هیهات که چنین نخواهد بود.خداوند در قرآن از علما پیمان گرفته است که دین خدا را بر مردمان آشکار کنند و پنهان ندارند. و بدان که کوچک ترین چیزی که تو پنهان

کرده ای و سبک ترین چیزی که آن را تحمل کرده ای این است که دل نگرانی ستم گر را بدل به آسودگی کرده ای و راه گمراهی را بر او آسان ساخته ای و این کار با نزدیک شدن تو به او و پذیرفتن دعوت اوصورت گرفته است از آن می ترسم که فردای قیامت با این گناه در میان خیانت کاران جای داشته باشی و از تو بپرسند از آنچه گرفتی و به ستمکاری ستم گران کمک کردی و بپرسند که چرا چیزی را که حق تو نبود از کسی که به تو بخشید گرفتی و چرا به کسی نزدیک شدی که حق هیچ کس را نمی داد، و چرا در آن هنگام که تو را به خود نزدیک کرد،از باطلی جلوگیری نکردی و چرا با دشمن خدا دوست شدی آیا در آن هنگام که ستم گران تو را برای همکاری فرا خواندند، همچون قطبی قرار ندادند که آسیاب ستمگری خویش را بر گرد آن به گردش درآورند؟ و هم چون پلی نشدی که بر تو می گذشتند و به بلاها و جنایت هایی که بر مردم روا می داشتند دست می یافتند، و هم چون نردبانی برای گمراهی های ایشان نبودی آیا تو فریب کاری های ایشان را توجیه نکردی و گام به گام آنان نرفتی آنان به وسیله تو علما را به شک انداختند، و دل های نادانان را به سوی خود جلب کردند.خصوصی ترین وزیران و نیرومندترین دست یاران ستم گران کاری را که تو برای اصلاح فساد ایشان انجام دادی و به سبب آمد و شد خاص و عام نزد ایشان شدی برای آنان انجام ندادند.آری آنچه به تو بخشیدند، از آنچه از تو گرفتند بسیار کمتر بود، و آنچه برای تو آباد

کردنـد، در برابر آنچه بر تـو خراب کردنـد بسـیار نـاچیز بـود.به حـال خود بنگر که هیـچ کس به حـال تو نخواهـد نگریست و حسـاب خـود را هم چـون حسـاب کسـی که مـورد سؤال قرار گرفته است رسـیدگی کن ...بسـیار از تو بیم نـاکم که تو از آن کسانی باشـی که خـدا در کتابش در حق ایشان گفته است «از پی ایشان بازماندگانی ماندند که کتاب را به میراث بردند، متاع این دنیا را می گیرنـد و می گویند که ما آمرزیده می شویم ...»تو از موقعیّتی که در نزد مردم پیدا کردی و از اعتقاد آنان به تو بهره گرفتی زیرا آنـان از رأی تو پیروی می کردنـد و به فرمان تو به کار برمی خاسـتند، و اگر چیزی را حلال می کردی آن را حلال می شمردند، و اگر حرام می کردی حرام می دانستند و این برای خود تو نبود، بلکه برای رغبت مردم بود به مقام دنیایی تو، هم چنین رفتن علمـا از میـان ایشـان و چیره شـدن جهـل و نـادانی بر تو و بر ایشـان ریاست دوستی و دنیاخواهی تو و ایشان ..اکنون از آنچه در آنی دست بکش تا به نیکوکارانی ملحق شوی که در جامه های ژنده خود به خاک سپرده شدند، در حالی که شکم هاشان از گرسنگی و کم خوراکی به پشت هاشان چسبیده بود، و میان آنان و خدا حجاب و پرده ای وجود نداشت و دنیـا آنـان را نمی فریفت و آنان فریب دنیا را نمی خوردنـد....اگر دنیا با تو - با این پیری و سالخوردگی و با این مقام علمی با نزدیک بودن اجل چنین بازی کند، جوان کم سال و نادان و سست رأی و کم عقل چگونه می تواند خود را از

آن برهانـد.(انا لله و انا الیه راجعون . به چه کسـی بایـد پناه برد؟ و نزد چه کسـی باید خشـنودی خاطر جست درد دل خویش و غمی را که از تو داریم با خدا می گوییم و مصیبتی را که از تو به ما رسیده است بر خدا عرضه می داریم ..»هم چنان که پیشتر اشارت رفت این نامه سـرشار از نکات و درس های آموزنده است و در عبارات آن به زیبایی آفات و زیان های پیوند و ارتباط عالمان نامتعهد با سـلاطین جور نمایانده شده و شدّت زشتی این عمل به خوبی چهره نموده است آنچه در ذیل می آید، اشاره هـایی است به این نکـات عمیق و سـرشار از درس و عـبرت که به سه نکته از نکـات مهم عبرت گیری در عصـر مظلومیت ائمه اطهـار (ع) از نقش عالمـان نامتعهـد و وابسـته به حکـام و سـلاطین جور به طور خلاصه ذکر می شود که امامان معصوم (ع) از دست زبـان و قلم شـان چه خون دل هـایی نصـیبشان گردیـد:الف حکام جور، عالمان دینی نامتعهـدی را که به دربار آنان راه یـافته و سرتسـلیم در برابرشـان فرود آورده انـد، همچون قطـبی قرار می دهنـد که آسـیاب سـتم کـاری خویش را برگرد آن به گردش درمی آورنـد و بـدین ترتیب به هر ظلم و جنـایتی که بخواهنـد دست می آلاینـد و دامنه فسـاد و تباه کاریشان را تا هر کجا که اراده کنند، می گسترانند و هیچ مانعی برای قتل و نهب نامتعهد در دسـتگاه ظلمه حقیر و کوچک نیست بلکه باید آن را بزرگ تر و خطرناک تر از خود سـتم کاران و فسادگستران دانست زیرا به تعبیر حضرت امام سجاد: اینان به قطبی تبدیل می شوند که آسیاب ستم کاری بر گرد آنان به گردش درمی آید؛ یعنی

نقش علمای فاسد در دستگاه جور؛ بنیادی و محوری است بدان گونه که ظالمان و جنایت کاران هر ستم و فساد و جنایتی را به وسیله آنان انجام می دهند و هرمانع بازدارنده ای را با چهره موجهی که عالمان دینی وابسته به خود، در میان توده های مردم پیدا کرده اند، به سهولت مرتفع می سازند و هر فساد و قتل و ستمی را از طریق آنان موجه و روا جلوه می دهند.ب عالمان وابسته به دستگاه ظلمه پلی مستحکم و مطمئن برای عبور آسان و بی خطر ستم گران محسوب می شوند. پلی که عبور از آن به دست یازی به جان و مال و ناموس و آبروی مردم بی گناه می انجامد و هر مشکل و رنجی را برای تاخت و تاز درعرصه های زندگی مظلومان جامعه مرتفع می نماید و همه راه ها را برای استیلاـ بر آنان و مکیدن خونشان هموار می سازد.پل در جایی به کار گرفته می شود که بین انسان و هدف او شکاف و فاصله ای عمیق وجود داشته باشد، به گونه ای که هیچ راه عبوری متصوّر نباشد و هر گونه پیش روی خطر سقوط و نابودی به همراه آورد. در چنین اوضاع نامساعدی تنها راه نجات و وسیله پیش روی و تاخت و تاز، ایجاد پلی مستحکم برای عبور از مهلکه و رساندن نیرو وتجهیزات به آن سوی مانع است طبیعی است که این پل نقش حیاتی دارد، به گونه ای که بود و نبود آن با پیروزی و شکست پیوند و ارتباط می یابد.در دستگاه و دربار سلاطین جور این اوضاع سخت و نفس گیر را عالمان ناصالح و فاسد مرتفع می کنند و با فکر و اندیشه و قلم و بیان خویش پل عبور ستمگران می شوند و

تجهیزات ظلمه را به آن سوی مانع می رسانند و دست های ناپاک آنان را برای هر قتل و غارت و جنایت و فسادی باز و گشوده می گذارند.ج عالمان دینی فاسد، نردبان گمراهی های سلاطین جور می گردند و آنان را در شتاب به سوی وادی جهل و تحیر یاری می نمایند.یکی از مصادیق گمراهی حکام ستمگر، محق دانستن خود در انجام قتل و جنایت و فساد است آنان اوّلاً خویش را شایسته حکومت و زمامداری می دانند و تسلط برجان و مال مردم را حق مسلم خود می پندارند، گفتی از ابتدا برای حکومت و پادشاهی وبزرگی فروشی به توده های مردم آفریده شده اند. ثانیاً مردم مظلوم و بی گناه را همواره مقصر و مستحق اختناق و سخت گیری و رعب و وحشت و دست گیری و حبس و قتل می دانند و هر گونه انتقاد و اعتراض و مخالفت از آنان را گناه و جرم نابخشنودی تلقی می نمایند.این حالت شیطانی نتیجه خیانت و عمل کردهای ضد الهی عالمان وابسته به ظلمه است زیرا این عالمان ناشایسته و فاسد با تفسیر و تأویل های خود، مقام و منزلت خیالی و استحقاق حکم رانی و تسلط بر مردم و سر کوبی هر گونه ندای مخالف را به سلاطین جور القاء می کنند و به آنان می باورانند که بر جان و مال و ناموس مردم فرمان راندن حّق طبیعی و مسلم سلاطین و پادشاهان است و مخالفت و عناد از جانب توده های مردم اخلال در نظام حکومت و بلوا و آشوب در پیکره مملکت و شایسته سرکوب است بدین ترتیب عالمان فاسد برای شتاب گیری سلاطین جور به سوی گمراهی به نردبانی تبدیل می گردند که به راحتی پله های آن پیموده می شود و هدف های ناصواب وضد انسانی تحقق

می یابد.

نقش برجسته آمران به معروف و ناهیان از منکر

چگونه است که فرهنگی به عظمت عـاشورا که در رگ و پی همه عاشـقان اهـل بیت ریشه دوانیـد و همچون خونی جوشان به مصـداق مؤثرترین عامـل و انگیزه وقـایعی بزرگ مثـل انقلاـب و هشت سـال دفـاع مقـدس را رقم زده است فقـط یـک حادثه تاریخی که دربرهه ای از زمان به وقوع پیوسـته باشد. عاشورا یک فرهنگ است که عمق تأثیر آن درذهن و روح تا بدان میزان است که حـتی یـادآوری اش به تنهـایی همواره سـبب سـاز جوش و خروش در بین مشـتاقان آن گردیـده است هنگـامی که به عظمت عـاشورا پی می بریم آن گـاه است که رسـالت و وظیفه امر به معروف و نهی از منکر مشـخص می شود. در رویکرد به مضـامینی که قرار است بازتـاب فرهنـگ عـاشورا را در آن ها شاهـد باشـیم نقش متولّیان فرهنگ آمران به معروف و ناهیان به منکر بسـیار حسـاس و در خور احـترام و عزت و افتخـار آحـاد ملت شـریف مسـلمانانست چرا که تـا بـاور و ایمـانی قلـبی برای پـذیرش چنین فرهنگی نباشـد، تلاـش برای بازنمـایی آن تلاش عبث بوده و قطعاً نتیجه ای نامعقول در پی خواهـد داشت تلفیق شـدن باورهـا و تعهـد و وظیفه منـدی صادقـانه مسـئولان و آمران و ناهیـان نسـبت به مقوله فرهنـگ عاشورا به همراه تلاش دل سوزانه است که می توانـد به پیدایی فرهنگی پویا و گسترش عدل متناسب و در حد حماسه ای بزرگ چون عاشورا و نهضـت حسـینی (ع) در کربلاـ بینجامـد.مادامی که این سه عامـل مسـئولان آمران و ناهیـان در کنار هم قرار نداشـته باشـند،به نتیجه ای رضـایت بخش که در شأن مقـام سـردار شـهیدان کربلا حضـرت امام حسـین (ع) و دیگر یاران حماسه سازش باشـد، نخواهیم رسید و تکثیر چنین

فرهنگ والایی در تار و پود جان و دل به درستی میسور نخواهد شد.در بازنمایی حماسه کربلا و فرهنگ عاشوراییان هر گونه تساهل و تسامح باعث از بین رفتن حقایق و تقدس این حرکت عظیم تاریخی خواهد شد و تا هر زمان و مکانی که از عاشورا و نهضت حسینی (ع) به فراتر از یک اتفاق تاریخی و به منزله یک جریان سیّال بزرگ فرهنگی نرسیم نمی توانیم حق مطلب و جایگاه رفیع امر به معروف و نهی از منکر را به درستی ادا کنیم در اوضاع امروزه جامعه کنونی لازم است تأثیرهای فرهنگ عاشورا را به منزله حرکتی پویا و توقف ناپذیر، در اعتقادات مرام و زندگی آدمیان کشف کرد و با چنین جایگاه ارزشمندی که آمران به معروف و ناهیان از منکر در دل ها ایجاد می کنند، می توان فرهنگ عاشورا و نهضت حسینی را فقط بازنمایی مقطعی از تاریخ دید که در روز عاشورا به شهادت اباعبدالله الحسین (ع) و یارانش می انجامد. چرا که شهادت سیدالشهدا (ع) که از پس اعتقادات و باورهایی سترگ و الهی در روز عاشورا به وقوع می پیوندد، در واقع آغاز حرکت کاروان عاشوراییان برای نشر و گسترش فرهنگ شهادت و ایثار است در کجای جهان می توان به فرهنگی این چنین برخورد کرد که فلسفه اش نه برپایه حرف و کلام که توأمان با حرکت و جوشش باشد؟ حرکتی که پس از سالیان سال هنوز هم ادامه دارد و تا قرن ها، پویاترین حرکت در جان های عاشق ادامه خواهد یافت اگر باور کنیم که عاشورا چیزی به جز یاد و خاطره ای از شهادت امام حسین (ع) که می بایست هر ساله در رثایش گریست

نیست بایـد اذعان کنیم که در دریافت و فهم عمیق و کنه کردار و عمل عاشوراییان درمانده ایم و هیچ گاه نخواهیم توانست از این جنبش به فرایـافتی حقیقی از علت وجودیش دست یـابیم از خاطرها دور نسازیم که مصـداق کامل عنصـر امر به معروف و نهی از منکر جزیی از پـایه و بنیاد و اساس سازمانـدهی واقعه بلنـد عاشورا و مانـدنی ترین سـرفصل دین مبین اسـلام عزیز بوده وخواهـد بود و اگر عاشورا نبود نه آمرانی پا به عرصه وجود می گذاشـتند و نه ناهیانی که هر لحظه مفسدان و سـتم گران را تا حد شهادت از جور و ظلم نهی کنند، و چنانچه اگر سند کلام گهربار اباعبدالله (ع) در مورد نهی از منکر نبود که برای اصلاح دین جدّش بپا خواسـته نه از عاشورا نامی می ماند و نه از کربلا و نه از حسـین (ع) و نه از اسیری اهل بیت (ع)، تا تاریخ اسلام هم چون درّی بدرخشد.

عزت ما در گرو نهضت حسینی

همه دینی از عاشورا و نهضت حسـینی (ع) دارنـد که به مثابه توان و تلاش خود موظفند که این دین را ادا کنند.تا باور و ایمان قلبی برای آمران و ناهیـان حاصل نشود و تلفیق درستی از باور و شـناخت دینی با تخصـص صورت نگیرد، چیزی که به دسـت می آیـد به جز شـمایلی ناقص والکن از این عظمت فرهنگی نخواهد بود و به اهداف مورد نظر نخواهیم رسـید، و به جزتخدیر ذهن و روح مردم هـدفی را دنبـال نکرده ایم امـا اکنـون که نزدیـک به سه دهه از انقلاـب شـکوه منـد مردم ایران اسـلامی می گذرد،هشت سال خون دل خوردن در دفاع مقدس و پیروزی اسلام عزیز را ملت شریف به رهبری پیامبر گونه خمینی

عزیز؛ و سپس فرزند خلف و بزرگوارش حضرت امام سید علی خامنه ای (حفظه الله) تجربه کرده اند، می بایست که در برنامه سازی بر اساس عاشوراتجدید نظر و بازنگری کرد.این که در طی ده محرم و روزهای تاسوعا و عاشورا بخواهیم به احیای این فرهنگ بپردازیم مسلماً به نتیجه ای در خور نخواهیم رسید. فلسفه وجودی عاشورا بسیار عظیم تر از این است که با چنین روش هایی بخواهیم آن را به مثابه یک حرکت کاملاً انقلابی و مذهبی به مردم بشناسانیم فلسفه عاشورا از نقطه ای در تاریخ آغاز می شود و هم چنان ادامه می یابد. به صرف این که به ظاهر تاریخی آن بپردازیم کمکی به پیش آگاهی های مخاطب نخواهیم کرد. می بایست تأثیرات این حرکت را در دل و جان مردم جستجو کرد و هم چون خصوصیتی که به گونه ای هم زاد مردم شده از آن یاد کرد؛ چرا که نه تنها عصرکنونی بلکه تمامی اعصار و زمان ها و مکان ها همه وام دار عاشورا و نهضت حسینی (ع) در کربلاییم

امام حسین مدافع بزرگ امر به معروف و نهی از منکر

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در قیام عاشورا و نهضت حسینی (ع) یکی از محوری ترین تعالیم پیشوای بزرگ شهیدان در از خودگذشتگی و ایثار تمام هستی به خالقش در فلسفه شهادت و آن هم در احیای سنت جدّش و در بطن اسلام عزیز است و تشیع بر حول این محور اساسی با ظلمه و حکام جور برخورد نمود و در این مبارزه قوام گرفت این جایگاه رفیع بهترین محمل برای استمرار آیین وحی و تجلی بخشیدن به میراث الهی رسول گرامی اسلام (ص) در گذرگاه تاریخ انسان ها است امر به معروف و نهی از منکر در وجود امامت و ولایت از آن جهت

بهترین ومناسب ترین محل استمرار آیین محمّدی (ص) است که خداوند خط صعود را به آسمان ها و ملکوت اعلی برای مسلمانان تعیین و معرفی و ترسیم نموده است و رسول اکرم (ص) در واپسین سال حیات خویش به هنگامی که از حجه الوداع باز می گشت به دستور خداوند بزرگ پیروی از امامت و ولایت را بهترین راه استمرار آیین سعادت بخش امر به معروف خویش اعلام کرد و بعد از خویش به جانشینانش که از آل الله و همان ائمه اطهار:بوده اند، سفارش نمود که هرگز لحظه ای از ترویج معروف ها و جلوگیری از منکرها چشم بر ندارند، حتی اگر به شهادت که فوز عظیم یک انسان زمینی است منجر شود.جایگاه امر به معروف و نهی از منکر از نعمات بزرگ حضرت احدیّت به مسلمانان با خاتم پیامبران رسول مکرم اسلام (ص) استمرار یافت و تمامی امامان (ع) یکی پس ازدیگری برای امر به معروف و نهی از منکر از سوی خدا منصوب و در خط رسالت قیام کردند و همگی تا یازدهمین امام (ع) یکی پس از دیگری جام شهادت را از دست پست ترین مروّجان منکرات در طول عمر شریفشان نوشیدند.پس از آن که امامت و ولایت از جایگاه رفیع ترین معروف ها در مقابل پست ترین منکرها ایستادگی نمود و بستر راستین حرکت و بالندگی اسلام تعیین شد و وظیفه هدایت جامعه اسلامی به امامان منصوب از سوی خدا سپرده شد، هر یک از امامان خاندان عصمت و طهارت در زمان خویش تلاش کردند، حافظ جایگاه بلند امر به معروف و نهی از منکر باشند و برای نگهبانی از خط امامت و ولایت و انجام دادن تکلیفی که خداوند در هدایت و نگهبانی

از دین بر عهـده آنـان نهاده بود، اقـدام کننـد.از نظر ائمه بزرگوار دین ارزش نهادن به معروف ها، سنگ زیر بنای اسـلام و از ارکان محوری دین خـدا، امر به معروف و نهی از منکر در جامعه های بشـری است و اهمیت آن به حدّی است که همه شـئون دیگر دین نیز از آن متأثرند. از نظر معصومان بسـیاری از تعالیم و احکام عبادات در پرتو امر به معروف و نهی از منکر به همراه ولا-یت وامـامت مفهوم و ارزش می یابنـد و حیات دینی مسـلمانان با محور بودن صـحیح این اصل تجلی پیـدا می کنـد، و اگر رفتار دینی مسـلمانان پیرامون این محور نباشد، حیات و رفتاردینی در مفهوم واقعی خویش متجلی نمی شود و ارزش مورد نظر خداوند را به دست نمی آورد.اهمیت بنیادین آمران به معروف و ناهیان از منکر، در تحقق شئون همه جانبه اسلام سبب شد که ائمه بزرگوار دین بر اسـتمرار خط معروف ها بکوشـند و با تعرض به آن در هر اوضاعی مقابله کننـد.پس از رسول خـدا (ص) سراسـر تاریـخ صـدر اسـلام عرصه مقـابله امامـان بـا تعرضـاتی است که به سـاحت معروف هـا شـده است و هر یـک از امامان بزرگـوار شـیعه به اقتضـای اوضـاعی که بر روزگارشـان حـاکم بود، در تعرض به سـاحت معروف هـا ایسـتادند، تـا از شـریعت محمّـدی (ص) پاسـداری کننـد.دوره حـاکمیت معـاویه و پسـرش یزیـد، از جهت تعرض به بزرگ ترین معروف هـا، از فاجعه آمیزتریـن دوره هـای اسـلام است در این جـاست که این دوره سـخت و جـان فرسـا دوره شکسـتن حریم اهـل بیت عصـمت و طهـارت و هولنـاک ترین منکر در جـامعه تحت سـلطه امویـان بـود. آنـان همه امکانـات تبلیغی و فرهنگی خویش را در جهت تعرض

به ساحت اهل بیت به کار گرفتند. نتیجه شیوع این منکر فاجعه آمیز این شد که سرانجام در عاشورای ۶۱ هجری اهل بیت عصمت و طهارت با فجیع ترین وضع قتل عام شدند و جامعه آن روز، حساسیت جالب توجهی به هنگام وقوع این حادثه نشان نداد و آل الله که ازمقدس ترین و پاک ترین ناموس خلقت بودند به شهادت رسیدند و یا به اسارت گرفته شدند.بی توجهی به حقوق اهل بیت و هتک حرمت خاندان عصمت و طهارت دراوج قدرت معاویه و فرزندش یزید به بدترین شکل رخ نمود و منکر عظیمی شد که سیمای جامعه آن روزگار را سیاه و غم آلود کرد.به هر تقدیر، در دوره امامت سیدالشهدا (ع) جامعه سیاسی و طبقه حاکم و هواداران و پیروان آنان سبب عظیم ترین منکر تاریخ اسلام بودند و جفا به اهل بیت را به اوج رساندند.اباعبدالله الحسین (ع) به منظور پالایش جامعه اسلامی از این منکر عظیم شجاعانه به پا خاست و برای تغییر اوضاع و تطهیر جامعه و دین از لوث منکرات خون خود و جمعی از بهترین اهل بیت و یارانش را در این راه نثار کرد و امروز بر یکایک مامسلمانانست که از ارزش های معروف که میراث ائمه اطهار: بر جان و دل ما به یادگارمانده است محفاظت و پاسداری کنیم و در مقابل منکرات و ترویج کنندگان ایستادگی واز بدن های متعهد خود؛ همچون کیسه های شن سدی عظیم در برابر مهاجمان داخلی و خارجی بنا کنیم و به همراه یوسف زهرا (س کفن بر تن و نیام حیدر کرار بر کف و بااستعانت از کلام خدا قرآن عظیم الشأن قائماً و دائماً در انتظار فرج ظهورش به درگاه خالق یگانه دعا بریم و هر

دم ندبه کنیم و بخواهیم ای قادر متعال تو را به آبروی زهرای مرضیه س و تو را به عزّت و افتخار پیشوای شهیدان کربلا (ع) و تو را به جگر پاره پاره امام حسن مجتبی (ع) و به قد خمیده زینب کبری (س) و به دست های مطهر و از بدن جدای عمویش باب الحوایج ابوالفضل العباس (ع) فرج ظهور مولا یمان و سرور و سالارمان را هرچه سریع تر نزدیک بفرما تا انتقام خون های پاک عزیزان کربلا و ائمه اطهار (ع) را حتی از نواده های ناپاک امروزیشان که جهان معاصر را به خاک و خون کشیانده اند، بگیریم و ان شاء الله در کنار آن یار سفرکرده جام طهور شهادت را بنوشیم و در شمیم عطرآگین رضوان خلد برین الهی هم چون پرنده ای به پرواز درآییم (یا ایّها الذین امنوا اذا لقیتم الّذین کفروا زحفاً فلا تولّوهم الادبار.)

نتیجه گیری

همان طور که در فصل های مختلف مقاله بارها به جایگاه رفیع امر به معروف و نهی از منکر در قیام عاشورا پرداخته شد. و امروز همه ما مسلمانان جهان و به خصوص شیعیان واقفیم که در نهضت حسینی پشتوانه مستحکم جایگاه بلند امر به معروف و نهی از منکر بوده و خواهد ماند.همین عنصر عظیم حمایت از آمران و ناهیان پیشوای شهیدان حسین بن علی (ع) برای به کرسی نشاندن نام عزیز امر به معروف و نهی از منکر بود؛ تا جایی که از خون خویش و بهترین یاران و فرزندانش گذشت اگر حسین بن علی (ع) انجام هر عمل و وظایف و تکالیف دینی را پیاده کردن امر به معروف و نهی از منکر در آن جوامع می داند. این است که همین امر

به معروف ها و نهی از منکرهای دینی بود که منجر به حادثه مظلومانه عاشورا و سپس به شهادت امام حسین (ع) و یارانش در یک نیمه روز رخ نمود و سپس به ظاهر غروب نمود، اما غروبی که صدها و هزاران میلیون خورشید تابنده عاشورایی دیگر را به منصه ظهور رساند تا هرنهضت و انقلابی با همین عنصر امر به معروف و نهی از منکر نضج گیرد و فیروزی آن راحتمی سازد.حسین بن علی (ع) آن چنان عزت و افتخاری در کربلا به نمایش گذاشت که در اوّلین قدم با بدعت ها و مشخصه های بارز علمای نامتعهد و زدودن آفات خطرناک ارتباط با حکام جور و سلاطین نه تنها هشدار داده بود بلکه با ۲ تن از یاران وفادارش در کربلا جنگید و واقعه زیبای عاشورا را مجسم تمام ادیان الهی ساخت حسین بن علی (ع) در خطبه پرشور خود در کتاب تاریخ عاشورا و در صفحات ۶۲،۶۱، ۶۰ – ۵ از عالمان نامتعهد و وابسته به دستگاه های جور و از ارتباط با آنان انتقاد کردو به نصایح پرداخت و حتی این گونه عالمان توجیه گر ستمگران را پله های مستحکم وقابل اطمینان و بی خطر ستم گران می نامد و به جهان اسلام هشدار بلندی با ندای رسایش داد که از نقش این گونه علما در طول حیات عبرت گیرید تا به دامان ستم جباران و حکام جور و سلاطین وارد نشوید.اباعبدالله الحسین (ع) با علمای دستگاه های ستم از جایگاه رفیع امر به معروف ها و نهی از منکرها با ادله و بیّنه سخن گفت و تصاویر روشن آمران به معروف و ناهیان ازمنکر را چنان نشان داد که امروز در جای جای کشورهای مسلمان و

متعهـدی چـون ایران اسـلامی نشـان تابنـاکی از عزّت و افتخـار قیـام عـاشورا و نهضت حسـینی اش (ع) موّاج است و مـا نه تنها ایرانیـان مسـلمان بلکه جهـان مسـلمان در این قرن وام دار عـاشورا و عزت و افتخـار نهضت حسـین (ع) هسـتیم پیشـوای بزرگ شهیـدان (ع) از حمـاسه عـاشورا و نهضت حسـینی اش از جایگـاه بلنـد امر به معروف و نهی از منکر، روضه و رضوان هایی از ارزش هـا را بر روی بشـر گشود و سـرداران بزرگی چون عبـاس بن علی (ع) در آن عظمتی جاودانه یافتنـد. عاشورا و نهضـت حسـینی در صـحرای تف دانشـگاهی شـد که بعـد از هزار و انـدی سال با همّت بزرگ مردی از سـلاله رسول خدا (ص) ملت بزرگ ایران را در نهضت بی نظیر بر کفر و شـرک و اسـتکبارجهانی پیروز کرد و صدها هزار جوان پرشور را راهی جبهه های نور، شـرف معرفت و کمـال کرد تـا یـک شبه ره هزار سـاله حسـین (ع) و یـاران با وفایش را بپیمایـد و امروز تعمیق معرفت و شناخت نسـبت به عاشورا و الگوهای بزرگ آن نیاز حیاتی ملتی است که مصـمم شـده مردانه در کربلای زمان با حضوری بی وقفه ادامه دهنـده راه و مرام حسـین (ع) که خود بزرگ ترین مـدافع جایگاه امر به معروف و نهی از منکر است باشـند.پیروزی مردان خـدا از همـان زمـان که سـر بر آسـتان تعبـد الهی از جمله به جایگـاه رفیع و ارزشـمند امر به معروف و نهی از منکر می ساینـد، آغـاز می شـود، کسب رضـای الهی اوّلین و آخرین ظـاهر و بـاطن فتـح الفتوح است و امروز هم در قرن ۲۰۰۲ در اوج شکوفایی تکنولوژی برای مردان خدا چیزی مهم تر از تحصیل رضایت خداوند

عـالم وجود نـدارد، و بالاـترین روش برای قرب خـدا ارزش نهـادن به جایگـاه رفیع امر به معروف و نهی از منکراست و آمران معروف ها در عمق تاریـخ جاودانه می ماننـد، همان گونه که ناهیان از منکر بیرق سـرخ حسـینی (ع) را بر دوش نهادنـد و سـر تسـلیم از خدای مهربان بر نتافتند. و همه آمران به معروف و ناهیان از منکر در همه دوران ها همواره پیروزند تا سـجده خضوع درمقابل فرمان های پروردگار خویش را نشـکنند و دل به غیر جانان نسپارند.سیدالشـهدا (ع) در قسمتی از وصیت نامه خویش به صـراحت می نویسد:«و اسـیر بسـیره جدّی و أبی علی بن أبی طالب می خواهم با عمل به سـیره و روش جدّم و پدرم علی بن ابی طالب (ع) به اصلاح امت بپردازم »از این قسمت وصیّت نامه حضرت (ع) که پس از اشاره به انگیزه امر به معروف ونهی از منکر مطرح می شود، درمی یـابیم که در حقیقت از نتایـج عملی امر به معروف و نهی از منکر که بزرگ ترین جلوه آن مبارزه مسـلحانه با یزید و ساقط کردن دسـتگاه حکومتی او بوده به دست گرفتن قدرت و تشکیل حکومت اسلامی و امامت و خلافت بر اساس سـیره و روش پیامبر (ص) است پیشوای شـهیدان عاشورا (ع) هم چنان که اسلام ناب محمدی (ص) را در برابر اسلام بنی امیه مطرح می کند، رهبری و خلافت خود را نیز بر اساس سیره و روش جدّ و پدرش در برابر رهبری یزید مطرح می نماید و بدین وسیله تنها راه نجات جامعه خفته و منحرف و منحط آن روز را احیای اسلام ناب و رهبری الهی آن می داند.راه حسین (ع)، نه یک حرکت مقطعی و یک تاکتیک موقت که یک اصل ثابت و الگوی

تمـام و کامـل برای همه اعصار و زمان ها است چرا که همواره در طول تاریـخ اسـلام ناب محمـدی (ص) در معرض تهاجم و تعرض است یکی از روش ها و ابزارهای بسـیار مؤثر و کارآمد برای مقابله با آیین حیات بخش ساختن و پروراندن و گستردن اسـلام منطبق بـا مطـامع و سـیاست هـای قـدرت هـای ضـد اسـلام است در عصـر ما تقابل اسـلام ناب محمّـدی (ص) با اسـلام آمریکـایی دنباله همان راهی است که در دوران زنـدگی و مبارزه های حضـرت اباعبـدالله (ع) به ظهور رسـید. اگر چه اوضاع دوران ما و میزان بیداری و آگاهی و رشد دینی مسـلمانان این عصـر با عصر سیدالشهدا (ع) مقایسه شدنی نیست لکن تردیدی نیست که نشـر و تبلیغ اسـلام آمریکایی که چهره نو اسـلام بنی امیه است هم چنان با قـدرت و توان در جهان اسـلام تداوم می یابد و همه انرژی و امکانات دنیای اسـتکبار برای مقابله با اسـلام ناب محمدی (ص) که حضرت امام خمینی پرچم دار بزرگ آن بود، بسـیج شـده است طبیعی است که امروزه راه سیدالشـهدا (ع) در مقابله پایـدار با اسـلام آمریکایی خلاصه می گردد و پیروان راستین امام حسین (ع) کسانی هستند که با بینش و آگاهی کامل و احساس مسئولیت شدید، به نشر و ترویج اسلام ناب محمدی (ص) و رهبری صحیح و منطبق با سیره و روش پیامبر و ائمه می پردازند و بر آن اصرار می ورزند.ولکن همه معتقدیم که سوختن تنها راه علاج برکنـدن هجمه های اسـتکباری نیست چاره ای باید اندیشـید. باید برای رهایی نسل جوان از این فتنه ها و شبهات راهی یافت راه علاج در این است که اگر همه دل های سوخته با امر به معروف و نهی از منکربه

هم بپیوندد، هیچ نیرنگی کارساز نیست و یاد سیدالشـهدا (ع) هم همه نسل ها را از گناه می رهاند. و این رهایی در یک ظرف محدود، خلاصه نمی شود، و در هر زمانی حسـین (ع) مشـکل گشاست پس بیاییم ما هم از مکتب حسین (ع) الهام بگیریم هم خود را بیمه کنیم و هم نسل امروز و فردا را از خطرها مصون بداریم

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹